دانشگاه خوارزمی

دانشکده علوم جغرافیایی

گروه جغرافیای انسانی

فلسفه علم جغرافیا

گرد آوری و تنظیم :

دکتر علی شماعی

(دانشیار گروه جغرافیای انسانی دانشگاه خوارزمی تهران)

دانشگاه خوارزمی

یکصدمین سال تاسیس دانشگاه خوارزمی

نخستین نهاد آموزش عالی کشور

تاسیس ۱۲۹۷

دانشکده علوم جغرافیایی

فلسفه علم جغرافیا

استاد

علی شماعی

دانشیار

- رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری ، دانشکده علوم جغرافیایی ، دانشگاه خوارزمی تهران ، ایران
- گروه : جغرافیای انسانی
- تماس :

دفتر دانشگاه : 02188830893 - 0263455070 پست الکرونیک : Shamaeiali@yahoo.com Shamai@khu.ac.ir

همراه : 09122063720

Kharazmi University

100th Anniversary of Kharazmi University

First Higher Education Institution in Iran

1919

Faculty of Geographical Sciences

Philosophy of Geography

Position

ALI SHAMAEI

Associate Professor

- *Geography and Urban Planning, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University of Tehran, Iran*
- Department: Human Geography
- **Contact**

Office University: 021 86070786

E-mail: shamai@khu.ac.ir **shamaiali@yahoo.com**

Mobile: 09122063720

فهرست

عنوان	صفحه
1-1-فلسفه رشته (علمی) چیست ؟	1
2-1-مفهوم اصلی علم جغرافیا	2
3-1-برخی تعاریف از جغرافیا و تحلیلی از آن	3
مطالعه آزاد (زندگی نامه مرحوم حسین شکویی)	5
4-1-نتیجه گیری کلی از تعاریف	6
1-2-جغرافیدان کیست ؟	7
2-2-انواع گرایش های جغرافیایی	8
3-2-انواع فضای جغرافیا از نظر «گیریفت تیلر»	9
4-2-فضای جغرافیایی	9
5-2-دیدگاه «فردریک راتزل» از فضا	10
6-2-فضا و ساختار فضایی	11
1-3-پارادایم	12
2-3-استعاره های جغرافیایی	12
3-3-سیر تحول پارادایم در جغرافیا	13
1-4-مکان	14
2-4-تفاوت مکان و موقعیت	14
3-4-سرزمین ، محیط و ناحیه	14
4-4-محیط و جغرافیای رفتاری	15
5-4-تعیین مرز نواحی	16
6-4-انواع ناحیه فرهنگی در جغرافیا	17
7-4-مفاهیم ناحیه در جغرافیا	17

فهرست

عنوان	صفحه
5-1-جغرافیای عمومی و سیستماتیک	18
5-2-تفاوت جغرافیای ناحیه ای و عمومی	19
6-1-تاریخچه علم جغرافیا	20
6-2-مختصر تاریخجه علم جغرافیا	23
7-1-پایه گزاران علم جغرافیا	25
7-2-انجمن های جغرافیایی و جغرافیایی نوین	26
7-3-سیر تکوین جغرافیای نوین	27
7-4-گرایش های جغرافیا نو : جغرافیای طبیعی	27
7-5-گرایش های جغرافیا نو : جغرافیای انسانی	27
7-6-چند مفهوم مهم در جغرافیای نوین	30
7-7-جغرافیای نوین و چشم انداز فرهنگی	31
7-8-جغرافیا ،فرهنگ و ایدوئولوژی	32
7-9-جغرافیا ،انسان و فرهنگ	33
8-1-جغرافیایی کاربردی : تعریف ،مفهوم و ویژگی های آن	34
8-2-دستاوردهای جغرافیای کاربردی	35
9-1-مکتب های هستی شناسی	36
9-2-مکتب های جغرافیایی	37
9-3-مکتب جغرافیای پست مدرن	38
9-4-مکتب جغرافیای زیبا شناسی	39
9-5-مکتب جغرافیای رفتار گرایی	39
9-6-مکتب جغرافیای ساختار گرایی	40
9-7-مکتب فوردیسم و و تاثیر آن بر زندگی شهری	40
9-8-جغرافیا دان گلخانه ای کیست ؟	40
9-9-مکتب جغرافیای رادیکالیسم	41
9-10-مکتب جغرافیای فرهنگی نو	42
9-11-مکتب جغرافیای اکولوژیک	42
9-12-مکتب جغرافیای آنارشیستی	43
9-13-مکتب جغرافیای انتقادی	44
9-14-مکتب شیکاگو	44
9-15-مکاتب هواشناسی (ویژه دانشجویان جغرافیای طبیعی)	45
منابع	46
ضمائم	47

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

پنداشت او قلم در دستهای مرتعشش
باری عصای حضرت موساست
می گفت
وز هیبت قلم
فرعون اگر از تخت نلرزد
دیگر جهان ما به چه ارزد ؟

شاعر : حمید مصدق

1-1- فلسفه رشته (علمی) چیست ؟

فلسفه رشته (علمی) عبارت است : مطالعه ای که به مدد آن مفاهیم و نظریه های بنیادین یک رشته (علمی) ، تحلیل و تشریح می شود و در نهایت حدود و قلمرو آن مشخص می گردد.

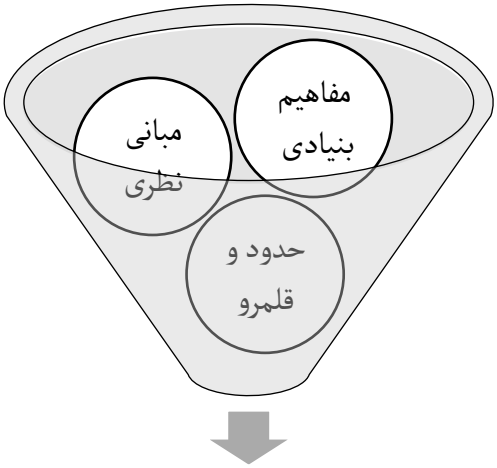

شکل 1-1

- دیوید هاروی (به انگلیسی: David Harvey) - جغرافی دان انگلیسی - در اهمیت دانستن فلسفه رشته جغرافیا چنین می گوید :

« ما (جغرافی دانان) نمیتوانیم بدون یک پایگاه فلسفی به پیش برویم »

جغرافیا به همه پدیده هایی که با هم در داخل یک مکان و تحت شرایط و اصول معینی شکل میگیرند نظم و اعتبار می بخشد و روابط منطقی بین این پدیده ها برقرار می کند. به بیان دیگر ، ترکیب عوامل بی روح و همساز محیطی با پایگاه فرهنگ انسانی ، جنبش و خالقیت جغرافیایی را به وجود می آورد.

دیوید هاروی

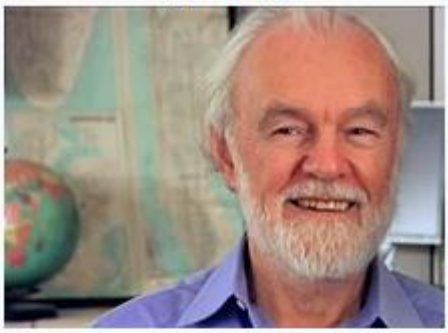

زاده	۳۱ اکتبر ۱۹۳۵ (۸۴ سال) جیلینگهام، کنت، England
ملیت	بریتانیایی
محل تحصیل	St John's College, Cambridge
دلیل شهرت	Marxist geography, quantitative revolution in geography, critical geography, right to the city
موقعیت‌های علمی	
موضوع‌ها	جغرافیا، نظریه اجتماعی، اقتصاد سیاسی
پایان‌نامه	*Aspects of agricultural and rural change in Kent, 1800-1900* (۱۹۶۱)
تأثیرگذاری‌ها	کارل مارکس، آنری لوفور، فریدریش انگلس
تأثیرگرفتگان	Neil Smith, Andy Merrifield, Erik Swyngedouw, Miguel Robles-Durán the development of Marxist geography, critical geography و جغرافیای انسانی as a discipline

2-1- مفهوم اصلی علم جغرافیا

مفهوم اصلی **علم جغرافیا** از دو عنوان بسیار مهم تشکیل شده است:

- واحدهای مکانی با همهٔ خصوصیات منحصر به فردشان
- ناهماهنگی های (تفاوت) موجود بین مکان ها

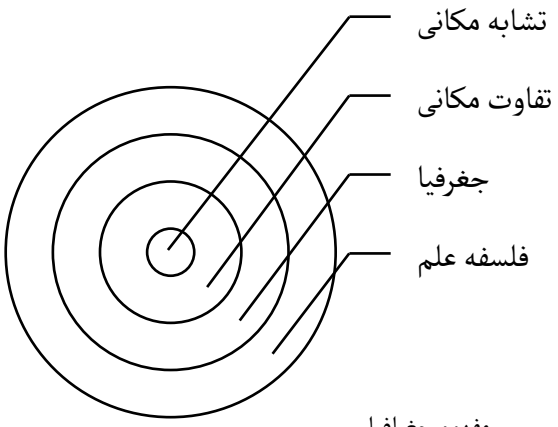

مفهوم جغرافیا

شکل 2-1

فلسفه جغرافیا دارای ساختاری دینامیکی است ، به این مفهوم که : متاثر از شرایط تاریخی و تفکرات جغرافیایی در طول سالیان گذشته بوده است.

«جغرافیا اکنون در مرحله فرانوگرایی قرار دارد.»

* موضوع جغرافیا مکان و فضاست و هدف آن کشف قوانین و روابط بین اجزای تشکیل دهنده محیط انسانی و طبیعی است.

* هندسه ، دانش ریاضی مکان است و بر این اساس ، هندسه زبان جغرافیا است.

* در جغرافیا ، تاثیر گذاری و تاثیر پذیری مردم از پدیده های جغرافیایی ، شاید به منزله مهم ترین خصیصه علم جغرافیا شناخته شود.

انسان وابسته به طبیعت است ، آن را تغییر می دهد و خود بخشی از آن است ولی در همان حال به وسیلهٔ عوامل فرهنگی جدا از آن محسوب می شود. در علوم دیگر نظیر ، هواشناسی ، زمین شناسی ، زیست شناسی ، جمعیت شناسی ، جامعه شناسی و اقتصاد بخش هایی از عوامل محیط طبیعی و پدیده های انسانی مطالعه میگردند. از نظر زمانی فرم از فرآیند به وجود می آید. مقیاس بعد چهارم جغرافیا است. اوج جغرافیای نظری بعد از جنگ جهانی دوم بود. در بررسی های جغرافیایی ، ارتباطات افقی بین مکان ها (جغرافیای عمومی) ، ترکیب عمودی و عمقی ویژگی های مکانی (جغرافیای ناحیه ای) ، نیز مطالعه می شود.

سه پرسش اساسی در علم جغرافیا (چه چیز ؟ ، کجا ؟ و چرا ؟) باید به صورت همزمان و متعامل صورت بگیرد تا به نتیجه مطلوب برسد.

3-1- برخی تعاریف از جغرافیا و تحلیلی از آنان

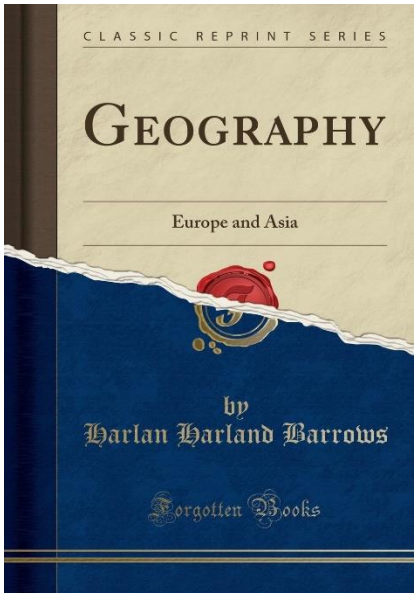

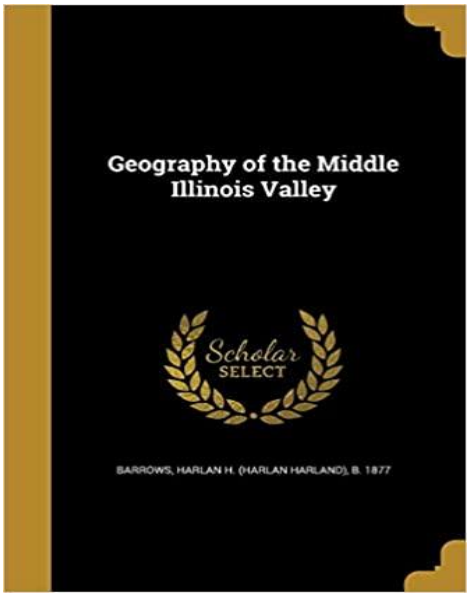

- جغرافیا علم اکولوژی انسانی است .
- (هارلن باروز) - (**Harlan Harland Barrow**) - جغرافیا دان امریکایی - تحلیل :

« نزدیکی این تعریف به مفهوم ناحیه بندی و طبیعت »

در سال 1904 در گروه جغرافیای دانشگاه شیکاگو تدریس یکی از جالب ترین بخش های جغرافیا را تحت عنوان تاثیر جغرافیا در تاریخ آمریکا به عهده گرفت. در سال 1914 به درجه استادی و در سال 1919 به مدیریت گروه جغرافیا در دانشگاه شیکاگو رسید. وی در زمینه ی مفاهیم جغرافیا و علم اکولوژی انسانی مطالعه زیادی داشت.

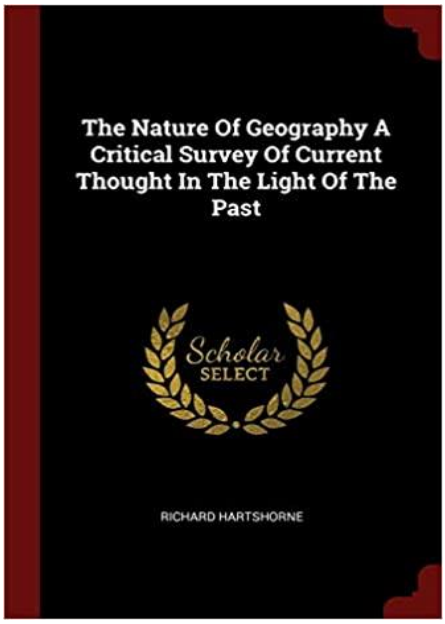

- جغرافیا ، مشخصات متغییر مکانی را از مکان دیگر در سیاره را به عنوان جایگاه انسان معرفی میکند.
- (ریچارد هارتشورن) - (**Richard Hartshorne**) - جغرافیا دان امریکایی - تحلیل :

نزدیکی این تعریف به مفهوم

« تشابهات و تفاوت های مکانی و رابطه آن با محیط انسان ساخت [کارکردگرایی ناحیه] »

از دهه ۱۹۳۰ میلادی در آمریکا و انگستان ، نفوذ تفکرات فلسفی در مطالعات جغرافی‌دانان آغاز شد. از این دهه تا دهه ۱۹۶۰ میلادی ؛ مباحث فلسفی بیشتر در زمینه‌هایی از علم جغرافیا ، چون: طبیعت ، چشم‌انداز و روابط جغرافیا با سایر علم می‌پرداختند ؛ که نمونه کامل آن کتاب «ماهیت جغرافیا» از ریچارد هارتشورن است.

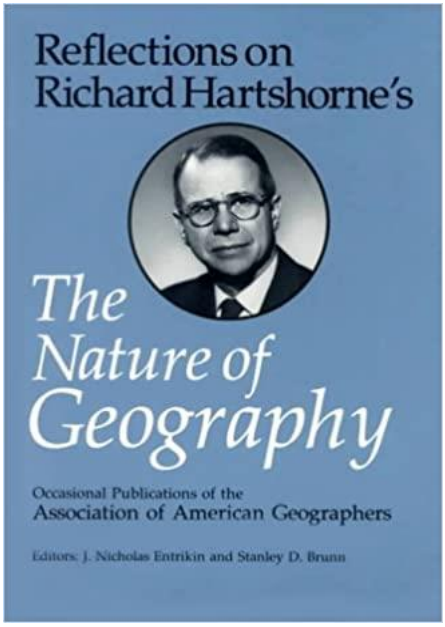

3-1- برخی تعاریف از جغرافیا و تحلیلی از آنان

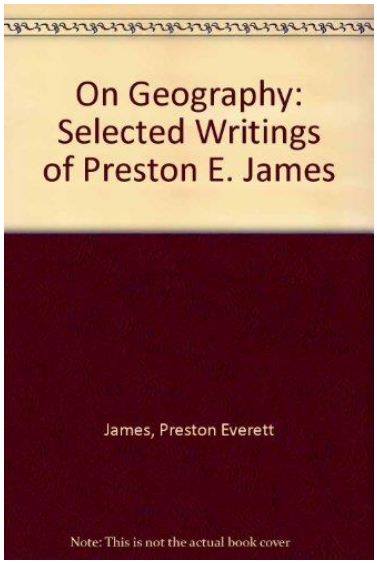

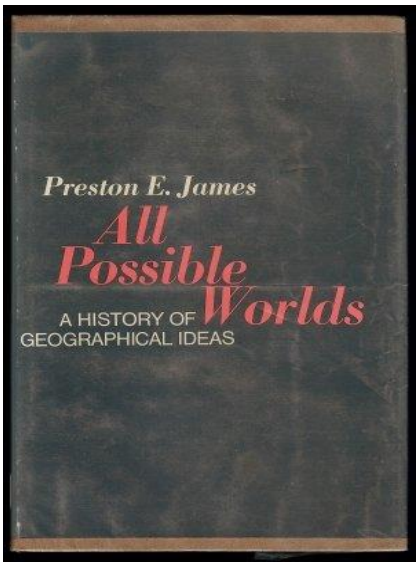

- جغرافیا در صدد تفسیر مفهوم و اهمیت تشابهات و اختلافات بین مکان ها و با توجه به رابطه علت و معلولی است.
- (پرستن جیمز) – (**Preston Evert James**)
  – جغرافی دان آمریکایی - تحلیل :

در حقیقت اختلافات و تضاد چهره های جغرافیایی در مکانها و نواحی دنیا اساس و پایه مطالعات جغرافیایی است زیرا به ندرت میتوان دو ناحیه کاملا متشابه از جهات جغرافیایی در سیاره زمین پیدا کرد. کشف و بیان تشابه نسبی و اختلافات بین مکانها از وظایف اصلی علم جغرافیاست.

- جغرافیا علم مکان ها است.

(ویدال دولابلاش)-پل ویدال دو لا بلوچه- (**Paul Vidal De La Blache**)-جغرافی دان فرانسوی-تحلیل :

به عقیده این جغرافی دان مکان مفهومی است که توسط انسان به وجود آمده است و مکان مستقیما از طبیعت عینیت پیدا نمی کند.

وی به عنوان بنیانگذار جغرافیای مدرن فرانسه و همچنین بنیانگذار مکتب ژئوپلیتیک فرانسه شناخته می‌شود. وی ایده de vie را تصور کر ، این اعتقاد است که سبک زندگی یک منطقه خاص بازتاب هویت اقتصادی ، اجتماعی ، ایدئولوژیکی و روانشناختی است که بر روی چشم‌انداز حک شده‌است.

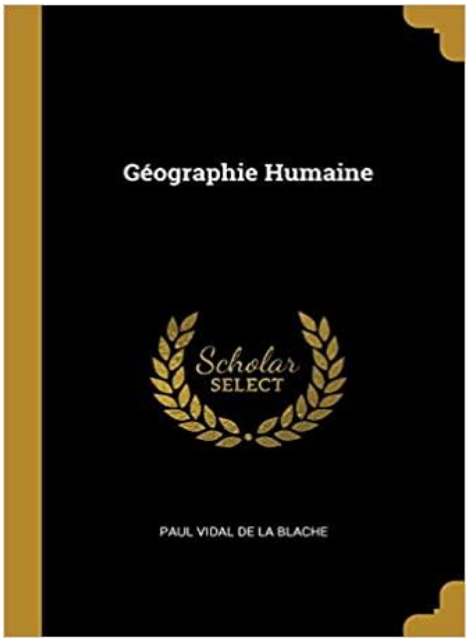

3-1- برخی تعاریف از جغرافیا و تحلیلی از آنان

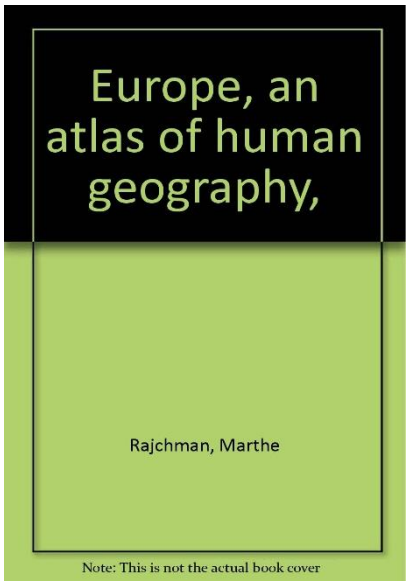

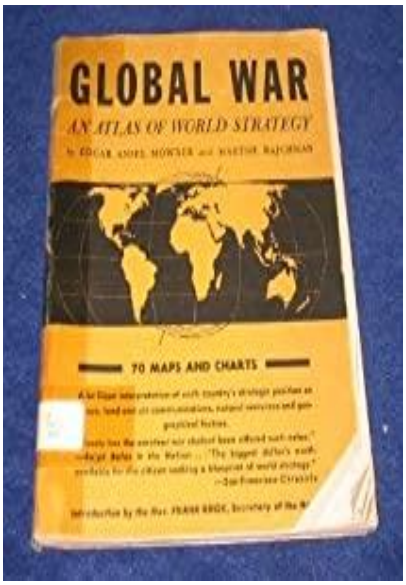

- جغرافیا علم پراکندگی است.

(مارت راچمن) – (**Marthe Rajchman**)

– جغرافیا دان آمریکایی- تحلیل :

در مطالعه انواع پراکندگی های طبیعی و انسانی نیاز مبرم به نقشه احساس میشود و این نخستین گام در راه تعیین حدود و مرزهای موضوع مورد مطالعه است.توجه داشته باشیم که در بطن تعریف بالا تاکید خاصی بر علم پراکنده گی نهفته است.

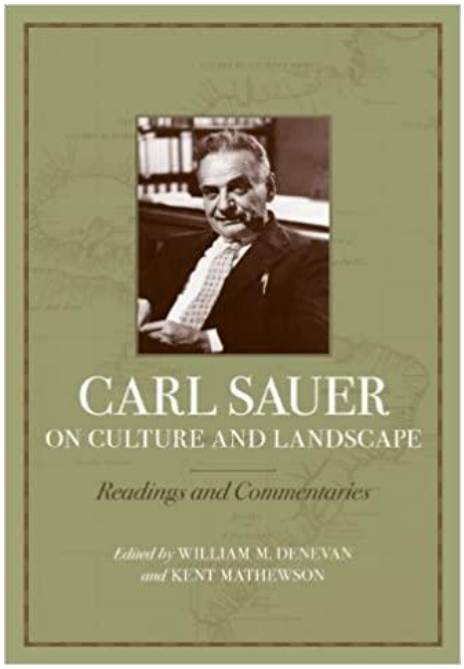

- جغرافیا علم مطالعه چشم انداز است.

(کارل ساور) – (**Carl Ortwin Sauer**)–جغرافیا دان آمریکایی - تحلیل :

« یک چشم انداز ،فضایی است از اشکال طبیعی و فرهنگی که آثار انسانی را بر محیط خود و در طول زمان نشان میدهد.»

واژه چشم انداز درگذشته به معنای زمینی بود که در اشغال یک لرد انگلیسی قرار داشت ولی با گذشت زمان نقاشان آلمانی این کلمه را در نقاشی های خود به تصویرکشیدندوآن را به منظره ویژه ای اطالق کردند. چشم انداز در هنر پایگاه خوبی پیداکرد.

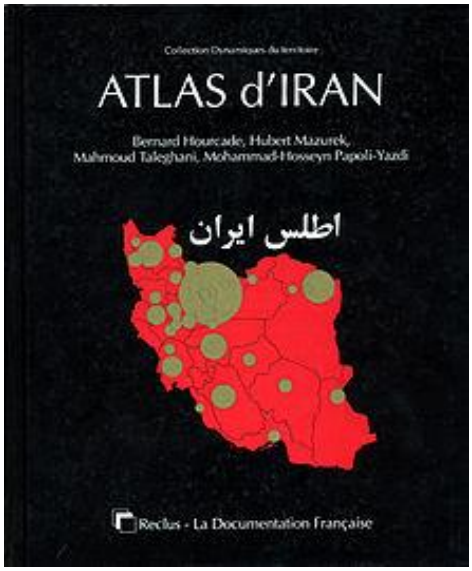

- جغرافیا عبارت است

روابط متقابل انسان ،تکنیک ،مدیریت و محیط.

(محمد حسین پاپلی یزدی) – (**M.H.Papli Yazdi**) – جغرافیا دان ایرانی - تحلیل :

« این تعریف دیدگاه اکولوژی-بوم شناختی دارد»

3-1- برخی تعاریف از جغرافیا و تحلیلی از آنان

- **جغرافیا** ، متاثر از نظام سیاسی و اقتصاد سیاسی است.

(پروفسور حسین شکویی) – **(Hussain Shakuei)** – جغرافیا دان ایرانی- تحلیل :

این تعریف بسیار به دیدگاه جغرافیا دانان رادیکال نزدیک است.

مطالعه آزاد (زندگی نامه مرحوم حسین شکویی)

حسین بیک‌زاده شکوئی، (زاده ۹ آذر ۱۳۱۲ خورشیدی در تبریز - درگذشت ۲۸ شهریور ۱۳۸۴ خورشیدی در تهران)، جغرافی‌دان معاصر ایرانی و بنیان‌گذار گروه جغرافیای دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی) و استاد سابق دانشگاه تربیت مدرس است. وی در سومین دوره جایزه ملی چهره‌های ماندگار ایران، به عنوان چهره ماندگار جغرافیا برگزیده شد.

حسین شکویی	
زادروز	۹ آذر ۱۳۱۲ تبریز
درگذشت	۲۸ شهریور ۱۳۸۴ بیمارستان مهرداد , تهران
آرامگاه	قطعه هنرمندان گورستان بهشت‌زهرا
محل زندگی	تبریز، تهران
ملیت	ایرانی
نام‌های دیگر	حسین بیک‌زاده شکوئی
پیشه	جغرافی‌دان , مترجم
شناخته‌شده برای	بنیان‌گذار گروه جغرافیای دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی)
نقش‌های برجسته	استاد سابق دانشگاه تربیت مدرس
جایزه‌ها	چهره ماندگار جغرافیا
وبگاه	دکتر حسین شکوئی

دکتر حسین شکوئی، در سال ۱۳۱۲ در تبریز دیده به جهان گشود. او پس از اتمام تحصیلات ابتدائی در مدرسه شمس، وارد دوره دبیرستان شده و نزد بزرگانی چون «عباس دیهیمی» و «استاد تقی میرفخرایی» مدرس زبان فرانسه در دانشگاه تبریز به کسب دانش پرداخت.

حسین شکوئی به سال ۱۳۳۴ در دانشگاه تبریز در رشته تاریخ و جغرافیا مشغول به تحصیل شد. استاد قاضی، استاد ادیب طوسی، دکتر منوچهر مرتضوی و دکتر جهانگیر صوفی از جمله اساتید وی در این مقطع تحصیلی هستند که او از آنها به نیکی یاد می‌کرد.

کتابهایی که وی تألیف نموده است از جمله شاهکارهای علمی و جغرافیایی می‌باشند. هرچند که مافیای موجود در دانشگاهها و جغرافیا علی رغم اشتیاق همه دانشجویان هیچ گاه اجازه نداده حسین شکویی در دانشگاه تهران حضور پیدا کند. ولی آثار جاودانه او چراغی است در این تاریکخانه

جغرافیا و سالیان منبع معتبر برای دانشجویان و اساتید بوده و خواهد بود. کمتر کتابهایی را می‌توان یافت که در استواری علمی و فن نوشتاری همچون اثار ایشان یافت. حتی در کتابهای مشابه منتشر شده در انجمن جغرافی‌دانان آمریکا کمتر کسانی در حد و اندازه پرفسور حسین شکویی دیده می‌شود. به نقل از لیلا اباذری شاگرد ایشان در سال‌های دور در دانشگاه تبریز ایشان علاوه بر استادی در جغرافیا، بسیار با اخلاق و پر احساس و بوده‌اند.

پس از گذراندن دوران تحصیلی مدرک کارشناسی خود را در رشته تاریخ و جغرافیا از دانشگاه تبریز (۱۳۳۷)، مدرک کارشناسی ارشد را از دانشگاه تهران (۱۳۴۶) و مدرک دکترای تخصصی خود را در رشته جغرافیای انسانی از دانشگاه استانبول (۱۳۵۷) دریافت کرد.

دکتر حسین شکوئی بیش از ۱۰ سال در دانشگاه تبریز تدریس می‌کرد و در سال ۱۳۶۴ پس از عزیمت به تهران در دانشگاه تربیت مدرس مشغول به تدریس شد و می‌توان او را در ردیف اولین پایه‌گذاران دوره دکترای رشته جغرافیا در دانشگاه تربیت مدرس معرفی کرد.

او در طول دوران علمی خود رساله‌ها (در سطح دکتری) و پایان‌نامه‌های (در سطح کارشناسی ارشد) زیادی را راهنمایی کرده‌اند. ایشان در مجامع مختلف علمی از قبیل فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، هیأت رئیسه انجمن جغرافیدانان ایران، شورای‌عالی سمت، سرپرستی کمیته جغرافیا در وزارت فرهنگ و آموزش عالی و...، عضویت فعالی داشتند و پس از مدت‌ها تلاش در راه علم، توانستند به عنوان یکی از چهره‌های ماندگار کشور (در جغرافیا) معرفی شوند.

همچنین در سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶، استاد نمونه دانشگاه تربیت مدرس شناخته شدند و کتاب‌های تألیفی ایشان در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۷۵ به عنوان کتاب‌های برگزیده سال جمهوری اسلامی ایران معرفی شد.

دکتر حسین شکوئی از جمله اساتیدی است که سال‌های عمر خود را به مطالعه، پژوهش و تدریس دانشگاهی گذرانده و نتیجه علاقه وی به تحصیل و تدریس در رشته جغرافیا، ۴۴ سال سابقه تدریس در دانشگاه و انتشار کتاب‌ها و مقالات مختلف بوده‌است.

دکتر شکوئی در شهریورماه ۱۳۸۴ در بیمارستان مهرداد تهران درگذشت‌و در قطعه هنرمندان گورستان بهشت‌زهرا تهران، به خاک سپرده شد.

تالیفات [ویرایش]

- فلسفه جغرافیا، انتشارات دانشگاه تبریز، که بعدها انتشارات گیتاشناسی آن را تجدید چاپ کرد و اکنون چاپ دواردهم کتاب منتشر شده‌است. اولین چاپ کتاب در سال ۱۳۴۹ بوده‌است.
- جغرافیای شهری، جلد اول و دوم، دانشگاه تبریز، این دو کتاب اکنون در دانشگاه پیام نور تدریس می‌شوند. چاپ اول این دو کتاب در سال ۱۳۵۲ بوده‌است.
- شهرک‌های جدید ۱۳۵۳، دانشگاه تبریز، این کتاب اکنون بسیار نایاب است.
- حاشیه‌نشیان شهری، ۱۳۵۵، دانشگاه تبریز، از اولین کتاب دربارهٔ اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی در ایران است. این کتاب نیز اکنون نایاب است.
- جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول: ۱۳۶۵.
- مقدمه‌ای بر جغرافیای جهانگردی، انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی، تبریز، فروردین ماه ۱۳۵۴، این کتاب نیز بسیار نایاب استو.
- محیط زیست شهری، ۱۳۵۵، دانشگاه تبریز، این کتاب نیز نایاب است.
- جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی، انتشارات جهاد دانشگاهی، اولین کتابی است در ایران که به مفاهیمی چون «گتوهای شهری» می‌پردازد. چاپ نخست کتاب در سال ۱۳۶۶ بوده و تاکنون چندین مرتبه چاپ شده‌است.
- دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
- اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات گیتاشناسی، ۱۳۷۵.
- اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲.

جوایز [ویرایش]

- مدال درجه یک فرهنگ (رتبه اول در دوره لیسانس).
- کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در دو نوبت سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۷۵.
- استاد نمونه کشور در سال ۱۳۷۴
- استاد نمونه دانشگاه تربیت مدرس در سال ۷۲ و ۷۶.
- چهره ماندگار جغرافیا در سال ۱۳۸۳.

1-3- برخی تعاریف از جغرافیا و تحلیلی از آنان

- جغرافیا ، علم روابط متقابل است .

(گریفیت تیلر) – (Griffith Taylor)– جغرافیا دان و مردم شناس جستجو گر بریتانیایی-استرالیایی - تحلیل :
در هر مکان و ناحیه ،ترکیب عوامل مرکب و پیچیده ،مشترکا چهره جغرافیایی آن ناحیه و مکان را می آفرینند.از این رو برای شناخت بهتر چهره های مرکب جغرافیایی ناگذریم از علوم دیگر در شناسایی پدیده حیات و عوامل ناشی از آن در نواحی جغرافیایی ،همکاری علوم طبیعی و علوم اجتماعی بهره بگیریم.

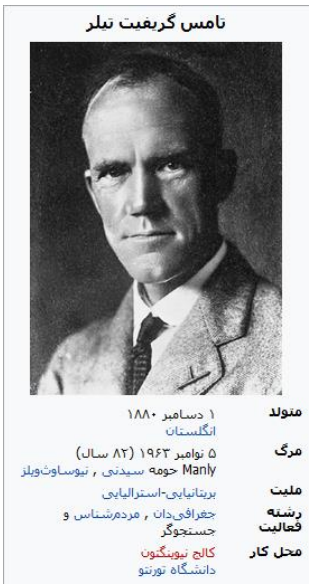

1-4- نتیجه گیری کلی از تعاریف

می توان گفت که جغرافیا در هر دوره ای از تاریخ تعریف خاص خود را داشته است. جغرافیا به دلیل تحرک وپویایی تعریفی که برای همه زمان ها مصداق باشد و مورد قبول همه اندیشمندان آن واقع شود ، ندارد.

وظیفه اصلی و نقش مهم تعالیم جغرافیایی مطالعه و کشف رابطه علت و معلولی بین اوضاع طبیعی و جوامع انسانی است .
شالوده علم جغرافیا ناهماهنگی و ناپیوستگی های طبیعت است ، لذا اگر همه پدیده ها منسجم بودند جغرافیا به وجود نمی آمد.

در جغرافیا مفهوم فرهنگ برای جغرافیدان شامل همه پیشرفت ها و تکامل جوامع انسانی از نظر تکنیک و فن ، تحقیق و مطالعه ، تأسیسات و سازمان های انسانی ، سیستم های اقتصادی ، مسأله تولید ، توزیع و مصرف ،بازاریابی ، سازمان های سیاسی و عقاید مذهبی است.

در علم جغرافیا پدیده های مورد مطالعه دائِما چه به صورت سریع و آهسته در حال تغییر و تحول هستند. در این علم ما با پدیده ثابت بسیار کم سرو کار داریم.

- دو قطب علم جغرافیا پدیده های طبیعی و انسانی هستند.

در علم جغرافیا مفهوم انسان در قالب و نقش یک عامل محوری ظاهر می شود تا با فرهنگ خویش تضادها را در طبیعت نمایان سازد و گویی به این ناحیه ها مفهوم می بخشد.اهمیت نقش انسان در طبیعت به علت اعتبار دهی جغرافیا می باشد.

- عناصر اصلی و محوری علم جغرافیا شامل : چهار بعد مهم فضا ، مکان ، محیط و نقشه است.

1-4- نتیجه گیری کلی از تعاریف

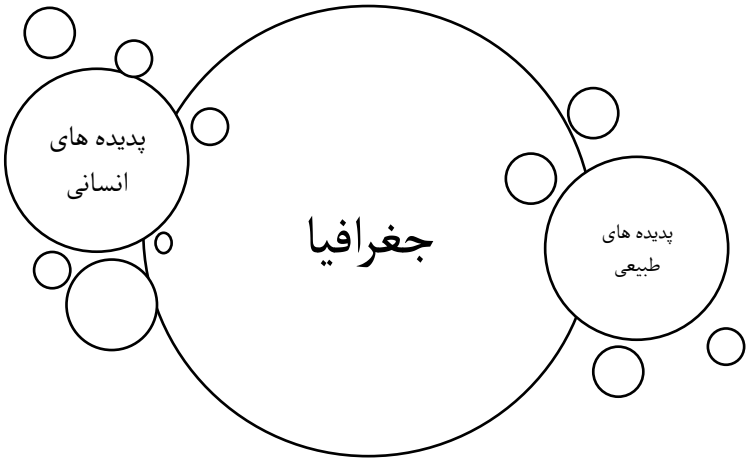

قطب های جغرافیا

شکل 1-3

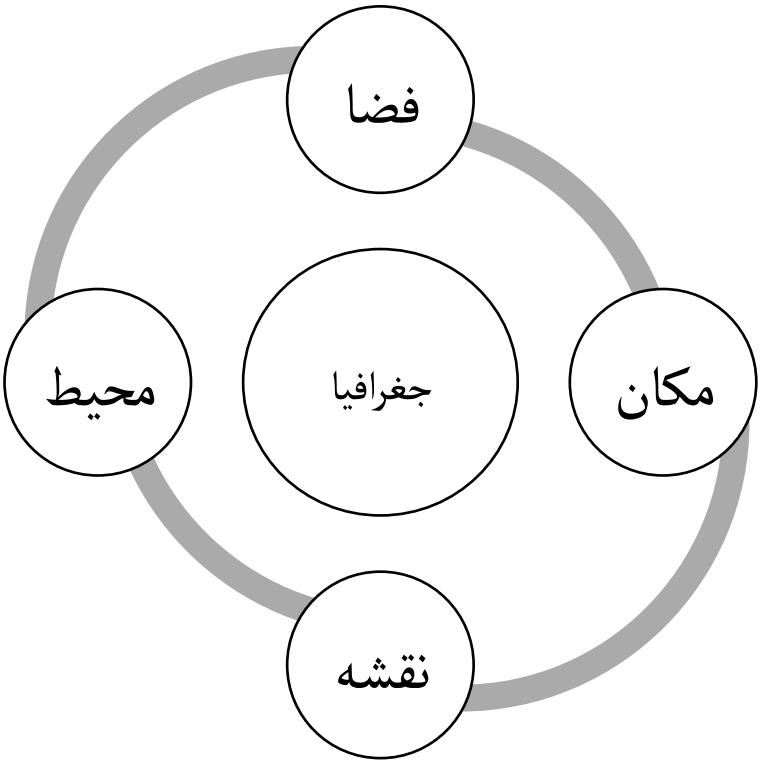

ابعاد علم جغرافیا

شکل 1-4

2-1- جغرافیا دان کیست ؟

پژوهشگری است که زمینه مورد مطالعه او جغرافیا ، بررسی محیط طبیعی کره زمین و جوامعه انسانی است.

جغرافی‌دانان به گونه‌ای سنتی ، عده‌ای نقشه‌نگار که به بررسی نام مکان‌ها و تعدادشان می‌پردازند ، به نظر می‌رسند. اگر چه بسیاری از جغرافی‌دانان در مکان‌نامی (ذکر نام‌های نواحی) و نقشه‌نگاری آموزش دیده‌اند ، ولی این کار پیشه اصلی‌شان نیست. جغرافی‌دانان به بررسی پراکندگی مکانی و زمانی پدیده‌ها ، فرایندها ، ویژگی‌ها و هم‌چنین برهم‌کنش انسان و محیط زیست او به عنوان اثر فضا و مکانِ تحت تأثیر موضوعات مختلف از جمله اقتصاد ، بهداشت ، آب و هوا ، گیاهان و جانوران ، می‌پردازند ؛

- از این رو جغرافیا دانشی میان‌رشته‌ای و فرا رشته‌ای است.

جغرافیا در یک چینش می‌تواند به‌طور گسترده به دو شعبه اصلی تقسیم شود:

- جغرافیای انسانی و جغرافیای طبیعی. اولی تا حد زیادی بر معماری و چگونگی ایجاد فضا متمرکز است -که با انسان مشاهده و مدیریت می‌شود و نیز نفوذ او فضا و مکان به خاطر به‌کارگیری و چنگ‌اندازی‌اش به آن می‌فرساید. دومی به بررسی محیط زیست طبیعی و چگونگی به وجود آمدن و تداخل آب‌وهوا ، پوشش گیاهی و چرخه زیستی ، خاک ، آب ، و ژئومورفولوژی می‌پردازد. به عنوان برآیندی از این دو زیرحوزه و با استفاده از روش‌های متفاوت ، حوزه سومی پدید آمده‌است که جغرافیای زیست‌محیطی نام دارد.

2-2- انواع گرایش های جغرافیایی

- **گرایش استعماری** : گرایش جغرافیا به مسایل استعماری به ویژه در انگلستان ظاهر می شود ، در این دوره ، سازمان های تجاری جهان به مطالعات دست اول از کشورها احتیاج داشتند. این مطالعات گردآوری شده بعدها سنگ بنای آموزشهای جغرافیایی محسوب میشود.

- **گرایش تعمیمی**: اطالعات گردآوری شده در دوره های فرهنگ نامه ای و استعماری به کار گرفته می شود و با تحلیل این مطالعات سعی میگردد تا الگوی جهانی تهیه شود.

- **گرایش سیاسی**: در این دوره جغرافیا در مسایل سیاسی زمان مداخله می کند. بعد از جنگ اول جهانی ، آیزایا بومن جغرافیدان معروف ، به عنوان مشاور اول و و درو ویلسون رئیس جمهور آمریکا انتخاب می شود تا در ترسیم مجدد نقشه جهان شرکت فعال داشته باشد.

- **گرایش های تخصصی** : در دهه های اخیر به علت گسترش سریع علوم ، دایره مطالعاتی جغرافیا نیز به طبع آن گسترده تر و پیچیده تر می شود ، لذا مانند گذشته یک شخص نمی تواند در همه مسائل جغرافیایی تخصص داشته باشد. پس جغرافیا برای مطالعه هر چه بهتر و دقیق تر به گرایش های تخصصی مانند: گرایش آب و هواشناسی ، گرایش جغرافیای سیاسی ، ژئومورفولوژی و... تقسیم می گردد.

* نکته : در گرایشهای تخصصی به شدت به ایدئولوژی ، روش شناختی و مکتبهای فلسفی تأکید می شود.

2-3- انواع فضاهای جغرافیایی از دید گیریفت تیلر :

از نظر گریفت تیلر ما سه نوع جغرافیا داریم. این سه دید جغرافیایی هر یک فضایی را شامل میشوند که به قرار زیر هستند:

- جئوکراتیک (جبر محیطی) :

در این جغرافیا طبیعت نقش عمده ای در زندگی بشر ایفا می کند.

- وی - اکراتیک (امکان گرایی) :

در این جغرافیا انسان اسیر طبیعت نیست بلکه از امکاناتی که عوامل طبیعی در اختیار وی گذاشته اند ، به صورت آزادانه استفاده می کند.

- دئوکراتیک (الهیات گرایی) :

یک نوع خدانگری در همه ی پدیده های جغرافیایی مورد تاکید قرار دارد.کارل ریتر در این زمینه بسیار کار کرده است.

2-4- فضای جغرافیایی :

در سال 1950 میلادی مکتب فضایی وارد جغرافیا شد. فضای جغرافیایی یک فضای اجتماعی_طبیعی است. این فضا(جغرافیایی) صورت ها و ساخت های آن ،آفریده کنش انسانی است. برای نشان دادن ارتباطات فضایی از نقشه استفاده می شود. برای حل مسائل و برنامه ریزی های فضایی نقشه ابزار واجب و پای ثابت است. فضا از دو مفهوم اساسی جدایی و فاصله ، ریشه می گیرد. اشیاء همگی دارای فاصله وآرایش خاصی در نظام فضایی جغرافیایی هستند.

- فرایندهای فضایی و مکانی در جغرافیا بیشترین اهمیت را دارند .

جغرافیا ابتدا روابط بین انسان و محیط را از نقطه نظر فضا در سیر زمان مطالعه می کند و سپس به روابط موجود بین آن ها می پردازد. در جغرافیا بعدی که معطوف به ویژگی های اشیاء از نظر تمرکز و پراکندگیشان می پردازد فضای مطلق نام دارد. فضای نسبی رابطه ای است بین رویداد ها و ویژگی های اجزای آن که رخ می دهد .این فضا ، فضایی خلق شده است که محصول جامعه انسانی است.این فضا دارای حرکت و پویایی است. نام دیگر آن فضای پلاستیکی است (زیرا اجزای آن دائما فاصله و شکل اندازه خود را تغییر می دهند) فضای واقعی (عینی) فضایی است که ، با حواس درک می شوند. این فضا تداعی کننده فضای مطلق است که قبلا توضیح داده ایم.

- به فضای ذهنی "فضای آرمانی" نیز گویند .

فضا و زمان در واقع چهار بعد دارند که سه بعد آن (طول ، عرض و ارتفاع) و با بعد زمانی ترکیب شده است.اگر فضا امکان حرکت را دهد ، مکان درنگی در آن به وجود می آورد. فضا مفهوم چند بعدی است ولی مکان غالبا بر روی نقشه نمایش می دهند. مکان حاصل از کنش و فرهنگ انسانی به وجود می آید. فضا فاقد قدرت و شهرت است ، ولی مکان بر خالف فضا قدرت و آوازه خود را بر دنیا و منطقه می تواند گسترش دهد.

- فضا فاقد احساسات مشترک است ،در حالی که مکان بیانگر خاطرات و علایق انسانی است .

به طور معمول توزیع فضایی دارای سه ویژگی است:

- تراکم نسبی: شامل تعداد پدیده ها و عناصر مورد مطالعه ، تقسیم بر مساحت منطقه مورد مطالعه است.
- تفرق: بر خالف تمرکز شاخصی است که پخش یک پدیده و میزان پراکندگی یا تمرکز آن منطقه یا مکان را نشان می دهد.
- بافت: طرز قرار گیری هندسی عناصر و پدیده ها را در فضا ، بافت گویند. بافت شامل: خطی ، متمرکز و پراکنده است.

«فردریک راتزل» -جغرافیادان آلمانی- عقیده داشت که هر موجود برای رشد و نمو به فضای معینی احتیاج دارد.

2-5- دیدگاه «فردریک راتزل» از فضا :

وی معتقد بود فضای فعلی برخی از کشور های اروپایی برای رشد و پیشرفت کم بوده و باید گسترش پیدا کنند .
(این عقیده به احتمال قوی موجب بروز جنگ های زیادی از جمله جنگ جهانی دوم در اروپا شد)

به اعتقاد راتزل ، کشور می‌تواند به عنوان یک ارگانیسم زنده به حساب آید و حکومت مانند سایر ارگانیسم‌های زنده نیازمند سرزمین کافی برای تغذیهٔ خود است که فضای حیاتی برای ارگانیسم ویژه می‌نامد.

او در جهت گسترش این عبارت‌های استعاری ، می‌گوید کشورها وقتی جمعیت شان افزایش می‌یابد نیازمند فضای حیاتی بیشتری می‌شوند و به این ترتیب قوانینی را برای رشد فضایی حکومت ارائه داد ؛ از جمله:

- حکومت باید در جهت الحاق سرزمین‌های کوچک توسعه یابد.
- حکومت باید تلاش کند سرزمین‌های با موقعیت‌های بالقوه باارزش را تصرف کند.
- توسعه ی کشور امری مُسری است که از کشوری به کشوری دیگر گسترش می‌یابد.

فردریش راتزل

2-6- فضا و ساختار فضایی :

بین فرآیند فضایی و ساختار فضایی تفاوت وجود دارد .به صورتی که فرآیند فضایی حاصل حرکت و پویایی در سطح زمین را نشان می دهد و حال ساختار فضایی نتیجه استقرار وآرایش پدیده ها در زمینی ثابت است.مفهوم نظم دهنده جغرافیا "توضیع فضایی و روابط مکانی " یک فضای سه بعدی است .

کروم واژه ای یونانی است و به معنای "محل و فضای خاص"است. اصطالحاتی چون "کورولوژی" و "کروگرافی" به معنای «جغرافیا» هستند. کروم ها در واقع نوعی الفبای فضا هستند ، که شامل نقطه ، خط ، سطح و شبکه می باشند.

3-1- پارادایم :

پارادایم در علوم به معنای (دیدگاه ، الگو ، سرمشق و)... است. پارادایم ها همچون خونی در رگ های علوم مختلف جاری است. پارادایم ها فعالیت دانشمندان هر رشته را هماهنگ و هدایت می کند. توجه زیاد به یک پارادایم می تواند تعصب را گسترش دهد و این تعصب اگر در سطح جامعه و حکومت نفوذ کند ، موجب عقب ماندگی کشور در مسیر توسعه خواهد شد. پارادایم ها همواره تغییر و تحول پیدا می کنند. پارادایم های جدیدی توسط افراد با نبوغ ، شجاع و جسور متولد می شوند. تغییر و تحول پارادایم ها به تحولات علوم می انجامد.

هر پارادایم دارای سه چرخه است :

- مرحله آشنایی پژوهشگر با یک پارادایم است

(مطالعات پژوهشگر وی را با یک رویکرد در رشته اش آشنا و علاقه مند می کند)

0 مرحله استفاده شخص از پارادایمی که پذیرفته در پژوهش های خود استفاده می کند .

- مرحله بحران پارادایم. یعنی پارادایم موجود دیگر قادر به پاسخگویی نیاز های علمی پژوهشگر آن رشته نخواهد بود. پس ما دوباره به یک پارادایم احتیاج خواهیم داشت و در واقع در این مرحله انقلاب پارادایم (تغییر پارادایم) به وجود می آید.

پارادایم «الف» موجب علم هنجاری می شود ، در این میان ناهنجاری هایی رخ می دهد و پارادایم «الف» را به نابودی می کشد. سپس با ضعف و زوال پارادایم «الف» ، پارادایم «ب» (پارادایم جدید) متولد می شود و این سلسله به همین صورت ادامه پیدا می کند. « پارادایم ها در علوم همانند فیلتر عمل می کنند »

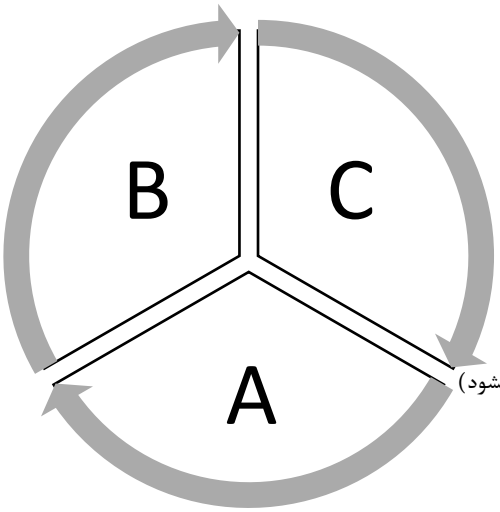

چرخه پارادایم

شکل 4-1

چرخه یک پارادایم :

A (مرحله شکل گیری : تولد یک پارادایم)

B (مرحله بلوغ : معرفی به عنوان یک چارچوب رشته علمی)

C (مرحله زوال : دیگر پارادایم پاسخگو نخواهد بود ،درست در این حالت انقلاب رخ میدهد و پارادایمی نو متولد میشود)

3-2- استعاره های جغرافیایی :

در اکثر موارد زبان جغرافیا ،استعاره ای (مانند گویی) است.

در این میان چهار استعاره جغرافیایی خواستگاه پارادایم ها معرفی شده اند ، که به شرح زیر می باشند:

- استعاره شکل گرایی: این استعاره در جغرافیا به ترسیم نقشه ، مورفولوژی پدیده ها ، کارتو گرافی و... کمک کرده است.

- استعاره ماشین گرایی (قدرت گرایی) : استعاره ماشین گرایی محصول قرن07 است. در این دیدگاه جامعه نظیر یک ماشین که از قطعات مختلف تشکیل شده و از مجموع افراد به وجود می آید. در این صورت همان قوانین ماشین وارگی در جامعه حاکم است. در این دیدگاه ، انسانی قوی است که قدرت دارد و از این قدرت در راه تسلط بر جوامع انسانی و طبیعی استفاده می کند.

- استعاره اندام وارگی-بوم شناختی : در این دیدگاه مناسبات متقابل موجودات زنده با محیط آن ها بررسی می شود.

- استعاره بافت گرایی : سیاره زمین از رویدادها و اجزای منحصر به فردی (بافت) تشکیل شده است ، که الزم است شناخته و بررسی شوند.

3-3- سیر تحول پارادایم درجغرافیا :

جغرافیا تا زمان داروین در دوره پیش پارادایمی قرار داشت ، تا اینکه اولین بحث پارادایم در جغرافیا ، توسط دو شخص به نام های ریچارد چورلی و پیتر هاگت شکل گرفت. خلاصه سیر تحوالت جغرافیا و پارادایم های جغرافیایی را می توان به چهار دوره زیر تقسیم کرد ، که به شرح زیر میباشند:

- پارادایم محیط گرایی (جبرمحیطی) : ریشه تفکرات تاثیر محیط بر انسان را می توان در نوشته های بقراط دید. دیدگاه محیط گرایی معتقد است که ، اعمال انسانی تحت تاثیر از ویژگی ها و شرایط محیط طبیعی است. البته زیاده روی و اسیر دانستن انسان به دست طبیعت در این نگرش ، توسط اندیشمندان جغرافیایی رد شده است. با بهبود تکنولوژی و افزایش سطح رفاه انسانی این دیدگاه کمی از رونق افتاده است. بدترین نوع جبر جغرافیایی ، پارادایم جبر ژنتیکی است. در این دیدگاه همیشه گروهی از انسان ها از گروه دیگر برتر هستند ، حتی اگر امکانات مساوی در اختیار هر دو قرار دهیم. «فردریک راتزل» ، به علت عقاید توسعه فضایی کشور برای پیشرفت ، که بسیار در آلمان مورد توجه حزب نازی واقع شد ، بنیان گذار جبر گرایی نو است.

3-3- سیر تحول پارادایم درجغرافیا :

جغرافیا تا زمان داروین در دوره پیش پارادایمی قرار داشت ، تا اینکه اولین بحث پارادایم در جغرافیا ، توسط دو شخص به نام های ریچارد چورلی و پیتر هاگت شکل گرفت. خلاصه سیر تحوالت جغرافیا و پارادایم های جغرافیایی را می توان به چهار دوره زیر تقسیم کرد ، که به شرح زیر میباشند:

- پارادایم امکان گرایی: این دیدگاه از مکتب فرانسه به سرپرستی ویدال دوالبالش آغاز شد. وی معتقد بود شرایط محیط طبیعی کمترین تاثیر را می تواند بر انسان داشته باشد ، زیرا بشر دارای قدرت تفکر و اختیار است. همچنین بر اساس این دیدگاه انسان از امکاناتی که طبیعت در اختیار وی گذاشته است می تواند به صورت آزاد استفاده کند. امکان گرایی شکل جدیدی از فلسفه نو کانتی است.

- پارادایم استثناگرایی (فضایی) : در دهه 1950 میلادی مسیر علمی جدیدی در پیشروی علم جغرافیا قرار گرفت.در این زمان استفاده از روش های کمی توسط جغرافیدانان به صورت عمده مرسوم شد. روش دیگر نیز به کار گیری قوانین فضایی در آرایش پدیده های جغرافیایی بود. ادوارد اولمن (جغرافیدان آمریکایی) به کار گیری روش فضایی در جغرافیا را مورد تاکید قرار می دهد. از نظریات موثر در پارادایم فضایی می توان به (نظریه مکان یابی کشاورزی–نظریه مکان مرکزی کریستالر-نظریه پخش-نظریه فیزیک اجتماعی) اشاره کرد. این پارادایم برای اولین بارموجب انقلاب علمی رشته جغرافیا شد.

- پارادایم رفتار گرایی : جغرافیای رفتارگرایی محصول ورود اندیشه های روانشناسی به جغرافیا است. در این پارادایم به جامعه از مقیاس خرد(میکرو) نگریسته می شود و افراد ، رفتار های فضایی و کیفیت زندگی آنان از دیدگاه جغرافیایی و روانشناسانه مورد بررسی قرار می گیرد.

4-1- مکان:

مکان مفهوم قلمرو در جغرافیا را می طلبد.

0. مکان بخش مشخصی از فضا که توسط فرد یا چیزی اشغال شده باشد ، یا به آن فرد یا چیز تخصیص یافته باشد.

1. مکان قسمتی از فضاست که توسط شخص یا چیزی اشغال شده باشد و دارای بار معنایی و ارزشی است.

2. مکان بستر جغرافیا است.

3. مکان ها دارای مرز هستند و اغلب این مرز ها نیز رسمی و می توانند عامل تنش باشند.

4. از زمان پیدایش علم جغرافیا ، مفهوم مکان اساس علم جغرافیا را تشکیل داده است. زیرا تنوع و دگرگونی فضایی پدیده ها ، نتیجه عملکرد شرایط حاکم بر مکان است.

تمرکز بر مقیاس جغرافی دانان را قادر می سازد که بر رخداد های جهانی تاثیر گذار بر مکان محلی آگاهی یابند.

جغرافیدانان اغلب با مطالعه محیط از زاویه دینامیکی(حرکت و پویایی) عمل می کنند.

4-2- تفاوت مکان و موقعیت :

مکان و موقعیت دو مفهوم به ظاهر مشابه اما در واقع متفاوت از یکدیگرند. مکان اجسام را میتوان دقیقا تعیین کرد اما موقعیت ذره های اتمی را نمیتوان به طور دقیق و ثابت تعیین کرد.

در علم جغرافیا هر پدیده مکان و موقعیتی دارد که میتواند به صورت کمی (زمین مرجع کردن) و کیفی بیان شود.

4-3- سرزمین ، محیط و ناحیه:

سزمین سبب تقسیم شدن کره زمین به قسمت های مختلفی اجتماعی-سیاسی-زبانی-قومی-نژادی و ایدوئولوژیک است.

برخی مفاهیم مربوط به سرزمین عبارتند از:

0. سرزمین گستره ای از زمین است.

1. دولت و سرزمین کامال به یکدیگر وابسته اند.

2. وظیفه دولت حفظ و حراست از سرزمین و مرز های آن است.

3. سرزمین میدان اعمال قدرت است .

محیط یک مفهوم هندسی است و به در ازای بخش بیرونی یک شکل گفته میشود. یعنی فاصلهایی که بر لبه بیرونی یک شکل میپیماییم تا به نقطه اول خود بازگردیم ، محیط میگویند. به خود لبه بیرونی نیز اصطالحاً محیط گفته میشود.برخی جغرافی دانان محیط را صرفا محدود به محیط طبیعی می دانند که در واقع چنین نیست ، بلکه یک مفهومی کلی است که هم انسان و هم محیط طبیعی را می تواند شامل شود .

4-4- محیط و جغرافیای رفتاری :

جغرافی دانان تاثیر سه محیط را بر زندگی انسان بیان کرده اند که شالوده جغرافیای رفتاری نیز می باشد و به شرح زیر هستند:

0. محیط پدیداری : شامل محیط طبیعی ،شهری ،محله ، محیط کار و ... .این محیط ها در رفتار و کیفیت زندگی انسان تاثیر گذار هستند.

1. محیط شخصی : شامل جغرافیای شخصی افراد (نقشه ذهنی) ، نظام اعتقادی ، نگرش ها ، پایگاه های فرهنگی–اجتماعی واقتصادی و... .

2. محیط زمینه ساز : شامل مراحل چرخه زندگی ، بر اساس سن و جایگاه های خانوادگی و سطح زندگی شامل میزان در آمد ،محیط زندگی و شیوه زندگی در طبقه اول ، دوم و سوم جامعه .

- ناحیه و تفاوت آن با منطقه جغرافیایی :

اگر وسعت منطقه مورد نظر ما کوچک بود از واژه ناحیه جغرافیایی استفاده می کنیم و در غیر این وصورت واژه منطقه جغرافیایی به کار می بندیم.

- انسان به عنوان عنصر اصلی یک ناحیه ، در علم جغرافیا به همه پدیده های طبیعی و فرهنگی اعتبار می بخشد. مفهوم ناحیه ، کانون و هسته اصلی در علم جغرافیا است. ناحیه آزمایشگاه علم جغرافیا است. در مطالعات ناحیه ای خط غیرمستقیم بیش از خط مستقیم عمومیت دارد. نتیجه میگیریم که ، میتوان واحدهای جغرافیایی را بدون توجه به مرزهای سیاسی ، ایالتی و ساحلی انتخاب و بررسی نمود.

- هرناحیه جغرافیایی هسته ای دارد که تجانس یک پدیده را به خوبی در این هسته می توانیم مشاهده کنیم و هرچه به اطراف پیش برویم از این وحدت تجانس کم شده و تا جایی می رسیم که دیگر وحدتی از پدیده مورد نظر مشاهده نمی شود ، به این نقطه مرز ناحیه جغرافیایی می گویند. ناحیه ممکن است وحدت طبیعی ، انسانی و فرهنگی داشته باشد. می توان گفت سرزمینی که دارای یک پدیده مشخص است ، در واقع یک ناحیه است.هر گاه ناحیه ای به یک درجه از ویژگی خاص برسد که نسبت به نواحی اطراف خود منحصر منحصر به فرد باشد ، یک ناحیه نامیده می شود. درواقع وحدت یابی اساس هر ناحیه است .

4-5- تعیین مرز نواحی :

اگر بخواهم تقسیم بندی در طبیعت داشته باشیم بهترین پدیده جغرافیایی برای تعیین حد وحدود یک ناحیه **ناهمواری** است ، زیرا تقریبا یک پدیده ثابت است و از لحاظ عینی نمود بیشتری دارد . ناهمواری معمولا بارش مناسب تر و حیات گیاهی و جانوری غنی تری دارد و در واقع یک گره جغرافیایی است.تعیین **رودخانه** به عنوان مرز نواحی جغرافیایی نیز در درجه دوم بعد از ناهمواری ها رایج بوده ، ولی در برخی مناطق مناسب است و در برخی مناطق دیگر کارساز نیست.

- اغلب جغرافی دانان ، جامعه شناسان ، نژاد شناسان و برنامه ریزان اقتصادی در اولین قدم برای آغاز پژوهش ، اقدام به مشخص کردن یک ناحیه و تعیین حدود می کنند و سپس مطالعات خود را آغاز کرده و به نتیجه گیری نهایی می رسانند. برای مشخص کردن بهتر حدود یک ناحیه و شناخت ویژگی های درونی آن بهتر است اول خرده نواحی موجود در بطن ناحیه را بشناسیم و سپس به سراغ بررسی کلی ناحیه مورد نظر رجوع کنیم.

- در شهر ها به راحتی می توان نواحی فرهنگی ، اجتماعی و کارکردی را شناسایی کرد ، زیرا دارای وحدت و تجانس مشخص تری می باشند ، مثال ناحیه تجاری ، ناحیه فرهنگی ، ناحیه گردشگری و ناحیه تفریحی و هر ناحیه در مرکزرخود تجانس و نمود عینی تری از پدیده مورد نظر دارد . هرچه به اطراف پیش رویم از این تجانس کاسته شده و تاجایی می رسیم که اثری از مشخصات اصلی ناحیه دیگر یافت نمی شود.

- استناد به یک عامل جغرافیایی برای شناخت کانون یک ناحیه جغرافیایی گاهی علمی ترین روش پژوهشی است.

نابرابری ها اغلب در مرز بین دو کانون جغرافیایی به اوج خود می رسد.نقش ناحیه بیش از خود ناحیه ممکن است مورد تحوالت فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی قرار گیرد. گاهی نقش یک خرده ناحیه می تواند ، به کل یک ناحیه نفوذ کند وآن را به خدمت بگیرد. مثال یک کارخانه خودرو سازی ممکن است به حدی گسترش پیدا کند که چندین کارخانه یک ناحیه را به زیر خدمت خود درآورد و ناحیه به نام نقش خرده ناحیه(مثال کارخانه خودرو سازی) شناخته شود.

* تفاوت اصلی مطالعات جغرافیایی گذشته و امروزی در تعیین ناحیه این استه که از نمود عینی به نمود عمقی ناحیه نگریسته می شود و دیگر ملاک ، ظاهر بینی کمتر مورد توجه است.

صاحب نظران انتقاد هایی به نگرش ناحیه ای وارد کرده اند ،که به شرح زیر است:

- تعیین مرز های نواحی گاهی بسیار مشکل است و گاه به صورت قراردادی صورت می گیرد.
- در روی کره زمین بسیار مشکل است که نواحی همگن و خاصی را از حیث یک ویژگی پیدا کنیم.
- پیدا کردن و مشخص کردن مرز های یک ناحیه بر روی یک نقشه آسان تر از مشخص کردن آن بروی زمین است.

4-6- انواع ناحیه فرهنگی در جغرافیا :

در جغرافیای ناحیه ای مواد اولیه را باید از سایر علوم اخذ کرد ولی ترکیب و ارتباط آنها را با استفاده از تخصص جغرافیایی ، آن هم در قالب های ناحیه ای می توان عملی کرد.

انواع نواحی فرهنگی عبارتند از:

الف) نواحی فرهنگی رسمی(ناحیه همگن) : ناحیه ای که توسط انسان هایی با یک یا چند خصیصه بنا شده اند. در این ناحیه پژوهشگران می توانند گروه های انسانی را به راحتی طبقه بندی کنند.

(مثال: ناحیه لک زبان استان لرستان)

ب)نواحی فرهنگی کارکردی (ناحیه غیر همگن) : منطقه ای است که با توجه به کارکرد سیاسی ، اجتماعی ،اقتصادی و فرهنگی سازمان دهی شده اند.

ج)نواحی فرهنگی بومی (ناحیه ادراکی) : این ناحیه توسط ادراک ساکنان و بومی های آن مصداق پیدا می کند و توسط اسامی محلی نام گزاری می شوند.

4-7- مفاهیم ناحیه در جغرافیا :

- ویژگی های ناحیه از منظر علم جغرافیا عبارتند از:

0 وحدت و تجانس در عوامل اصلی و مهم ناحیه

0 مرزهای ناحیه با مرزهای نواحی مجاور مشخص است(.معموال مرز های ناحیه یا خرده ناحیه با خاتمه فعالیت بارزاقتصادی که به دست انسان انجام می شود مشخص می شود-مثال مرز ناحیه ذرت خیز آمریکا) نکته: سازگاری انسان به طبیعت(اکولوژی) بهترین و مشخص ترین نواحی را به وجود می آورد.مثال ناحیه ذرت

خیز آمریکا یا پامپای آرژانتین

به طور کلی مطالعات ناحیه همانند مطالعه قلب جغرافیا است. زیرا یکی از مهمترین مفاهیم جغرافیایی است.

7-4- مفاهیم ناحیه در جغرافیا :

- در بررسی یک ناحیه باید شرایط جغرافیایی زیر را همواره مورد توجه قرار بدهیم:

- خصوصیات محیط طبیعی و زیستی
- جمعیت ، ویژگی های آن و فرهنگشان (تعداد ، پراکندگی جمعیت در شهرها و روستا و نواحی مختلف ، جنس و نژاد ،آداب و رسوم و پایگاه های اجتماعی خاص و واحد های سیاسی)

تقسیمات عمومی مکان ها ، واحدهای سیاسی را به وجود می آورد که مشخصات ملی کشورها را در خود متمرکز می سازد. مثل کشورهای ایران ، اسپانیا ، ایالت متحده و مکزیک. در داخل کشورها مرز استان ها و ایالت ها غالباً انتخابی است از این رو نمی توان آنها را به عنوان یک واحد مستقل جغرافیایی بکار برد.

برای مثال ایالت میسوری در امریکا از گسترش عوامل و پدیده های جغرافیایی پنج ایالت ایوا ، ایلینویز ، نبرسکا ، کانزاس ، آرکانزاس و اوکالهما تاثیر میگیرد. در نتیجه این ایالت دارای وحدت جغرافیایی نیست. این مسأله در

مورد نواحی مادرشهرها و بخش ها نیز صادق است.

- مرکز جاذبه

در هر ناحیه ، کشور ، قاره و حتی سیاره زمین کانون های جذب جغرافیایی مشاهده می شود ، که تحت شرایطی و با توجه به عوامل مختلف طبیعی و فرهنگی موجودیت یافته اند. مرکز جاذبه بیشتر حالت انتزاعی و ذهنی دارد ، یعنی ممکن است در واقع نتواند آن را مشاهده کرد. نقشه در کانون هر نوع مطالعات جغرافیایی قرار دارد.

1-5- جغرافیای عمومی و سیستماتیک:

با توجه به انتقاداتی که از جغرافیای ناحیه ای صورت گرفت ، جغرافیای سیستماتیک متولد شد.در این بخش از جغرافیا ، سیاره زمین را بر مبنای آب وهوا ، ژئومورفولوژی ، کشاورزی ، صنعتی و یا سایر مالک های کلی به قطعاتی تقسیم می کنند و از نظرگاه سیاره ای و عمومی مورد مطالعه قرار می دهند.جغرافیای سیستماتیک همه مطالب جغرافیایی را به صورت سیستمی مورد طبقه بندی قرار داده و محققان و افرادی که آشنایی کمی با علم جغرافیا دارند می توانند به راحتی اصول این رشته را فرا گیرند.

در جغرافیای سیستماتیک یادگیری و تدوین اصول آسان است ، به این دلیل که:

- حدود پدیده ها و موضوعات جغرافیایی کاملاً معین است.
- کشف روابط بین علت و معلول ، آشنایی و ارتباط روابط انسان و محیط طبیعی اسان تر است.
- در جغرافیای عمومی هر بخش به یک دسته معین جای دارد و پدیده ها همگی در جای منظم و مخصوص خود طبقه بندی شده اند.

2-5- تفاوت جغرافیای ناحیه ای و جغرافیای عمومی (سیستماتیک) :

جغرافیای عمومی(سیستماتیک)با جغرافیای ناحیه ای تفوت هایی دارد ، این تفاوت ها عبارتند از:

- جغرافیای عمومی(سیستماتیک) موضوعات مختلف رادر سطح جهانی مورد توجه قرار می دهد و از اصول روش علمی برای تبیینات خود بهره های فراوان می جوید ، اما جغرافیای ناحیه ای ، جغرافیای مکان هاست.

- جغرافیای ناحیه ای ، جنبه های کیفی ، پیچیده و آکادمیک دارد.)1 جغرافیای عمومی اغلب درباره یک یا چند موضوع معین بحث می کند و در اکثر موارد جغرافیای طبیعی مانند (ژئومورفولوژی و اقلیم شناسی و)...کاربرد دارد. به علت این که موضوعات مورد بحث جغرافیای انسانی در اغلب موارد در حال تغییر و تحول هستند ؛ لذا نمی توان قالب ثابت جغرافیای سیستماتیک را برای آن به کار گرفت.

- در جغرافیای عمومی (سیستماتیک) اصول و نظم رعایت می شود و انتخاب موضوع یک انتخاب افقی در سطوح کلی و جهانی است و در اغلب موارد نواحی مورد بحث در سیاره زمین در محدوده قوانین جغرافیای عمومی قرار دارند.

- جغرافیای عمومی (سیستماتیک) با اصول و قوانین معین خود مورد نیاز متخصصین علوم مختلف است. مثالً : جغرافیای طبیعی در معدن شناسی ، جغرافیای اقتصادی در امور بازرگانی و جغرافیای اجتماعی در برنامه ریزی های اقتصادی و فرهنگی به شدت به کار گرفته می شود.

- مسایل و موضوعات جغرافیای ناحیه ای بسیار پیچیده و در هم جلوه می کند.

- در جغرافیای عمومی (سیستماتیک) ، آزمایش ، سنجش ، مقایسه و تعمیم راه تکاملی خود را می پیماید و بر موازین علمی جغرافیا می افزاید.

1-6- تاریخچه علم حغرافیا :

نخستین شخصی که از واژه «ژئوگرافی» استفاده کرد ، اِراتوستن (۲۷۶–۱۹۴ پ.م.) بود که شامل کلمات (GEOزمین) و (GRAPHYنگاری) است ، او علم جغرافیا را "علم مطالعه زمین به عنوان جایگاه انسان تعریف می کند."

این اندیشه از آناکسیماندر(۱۲۳۱/۳۲ – ۱۱۶۶/۶۷ سال پیش از هجرت)، که واپسین نویسندگان یونانی به بنیان‌گذار واقعی جغرافیا مطرحش نمودند-، از طریق پاره‌ای از بازگویی‌های جانشینان او به ما رسیده‌است. آناکسیماندر را به نوآوری شاخص‌ها (ابزار ساده و کارآمد یونانی که اندازه‌گیری اولیه از عرض جغرافیایی را انجام داد) می‌شناسند. تالس و آناکسیماندر همچنین به پیش‌گویی گرفت‌ها معروف اند. شالوده جغرافیا را می‌توان در فرهنگ‌های دیرینه ، از قبیل چین باستان ، سده‌های میانه و دوران باستان ردیابی کرد. یونانیان نخستین بار جغرافیا را با هر دو سرفصل هنر و دانش یافته‌بودند و این را با نقشه‌نگاری ، فلسفه ، ادبیات و ریاضیات به دست آورده‌اند. بحث‌های گرمی در باره این که نخستین بار کی داوی کرد که زمین گرد می‌باشد ، هست ؛ که به اعتبار یا مراجعه به پارمنیدس ، فیثاغورث یا اناکساغورث می‌شود گفت هر کدامشان با بهره‌گیری از توضیح گرفت‌ها توانست ثابت کند که زمین گرد است. با این وجود ، او همانند بسیاری از معاصرانش بازهم باور داشت که زمین یک لوح هموار است. یکی از نخستین برآوردهایی که شعاع زمین را تخمین می‌زند را اراتوستن به جا گذاشت.

نخستین سامانه خیلی دقیق خطوط دستگاه مختصات جغرافیایی به هیپارخوس (ابرخس) منسوب است. او دستگاه مبنای شصت‌تایی را به کار بست که از ریاضیات بابلی برگرفته شده‌بود. وی مدارها و نصف النهارها را به ۳۶۰°، و هر درجه به '۶۰ تقسیم‌بندی کرد. او برای اندازه‌گیری طول جغرافیایی در محل‌های مختلف روی زمین ، پیش‌نهاد کرد از گرفت‌ها برای تعیین اختلاف زمانی نسبی استفاده کنند. نقشه‌کشی گسترده رومیان به خاطر کاوش‌هایشان در زمین‌های جدید ، بعدها سطح بالای اطلاعاتی‌ای را برای بتلمیوس به منظور ساخت اطلس‌های مو شکافانه گرد هم آورد. وی با استفاده از دستگاه شبکه‌ای روی نقشه‌هایش و اتخاذ طول ۹۰/۹۲ کیلومتر به ازای هر درجه ، کار هیپارکوس را پیش‌برد.

نقشهٔ جهان باز ساختهٔ بتلمیوس از جغرافیای بتلمیوسی در سدهٔ هشتم/نهم خورشیدی

▪ جغرافیا در ایران باستان :

از بررسی و تحقیق ایرانیان قدیم در جغرافیا اطلاع زیادی در دست نداریم. دیرین‌ترین سندی که در این باره موجود است قسمت‌های اشاره‌هایی به وضع یا نام برخی سرزمین‌ها و دریاها و کوه‌ها و رودها رفته و در فرگرد یکم کتاب وندیداد[۱۵] از شانزده کشور آفریـ قسمت‌های علمی اوستا از میان رفته‌است در این باره بیش از این اطلاعی به دست نمی‌آید. پس از آن در سنگ نبشته بغستان (بیستـ فرمان‌روایی داشته‌ام برمی‌خوریم و از همین قبیل اطلاعات مختصر و جزئی در برخی از نوشته‌های یونانیان نیز مشاهده می‌شود. از رو ضمن بعضی از کتب آن دوران آمده و به دست ما رسیده ، کتاب مستقل شهرستان‌های ایرانشهر که در آن نام و شرح مختصر شهرهای ایران و برخی از روایات افسانه‌ای درباره آن‌ها آمده ، در دست است و به فارسی نیز ترجمه شده‌است.

1-6- تاریخچه علم حفرافیا :

■ جغرافیا در تمدن اسلامی

در خلال سده‌های میانه ، سرنگونی فرمان‌روایی روم به تغییر در روند تکامل جغرافیای از اروپا به جهان اسلام انجامید. جغرافی‌دانان مسلمان مانند شریف ادریسی نقشه‌های مبسوط جهان (از قبیل کتاب‌الرجاری) را درست کردند ، در حالی که جغرافی‌دانان دیگر مانند یاقوت حموی ، ابوریحان بیرونی ، ابن بطوطه و ابن خلدون حساب دقیقی از سفرهایشان و جغرافیای مناطقی که دیده بودند ، دست و پا کردند. محمود کاشغری جغرافی‌دان ترک ، نقشه جهان را بر پایه یک زبان کشید ، و بعد از او پیری رئیس این کار را انجام داد (نقشه پیری رئیس). افزون بر این ، دانشمندان مسلمان کارهای پیش از رومیان و یونانی‌ها را ترجمه و تفسیر نمودند ، و بیت الحکمه را به این منظور در بغداد راه انداختند. ابو زید بلخی دانشمند ایرانی ، در آغاز از نقشه‌برداری زمینی در بغداد ، مدرسه بلخ را درون بلخ بنیان نهاد. «سهراب» جغرافی‌دان مسلمان در میانه‌های سده چهارم خورشیدی ، سرگرم کتابی بود درباره مختصات جغرافیایی ، حاوی دستورالعمل برای ساخت نقشه مستطیلی جهان ، با طرح نمایش تصویر استوانه‌های هم‌فاصله. در اواخر سده چهارم و اوایل سده پنجم خورشیدی ، ابن سینا علل زمین‌شناختی کوه‌ها را در کتاب شفا (۴۰۵/۶ خورشیدی) برانگاشت.

○ ابوریحان بیرونی

ابوریحان بیرونی (۳۵۲–۴۲۷ خورشیدی) نخستین بار طرح نمایش تصویرِ هم‌سمتِ (سمت در برابر ارتفاع در دستگاه نجومی) دارای مسافت مساوی قطبی را از کره آسمان شرح داد. هنگامی که پای نقشه‌برداری شهرها و اندازه‌گیری فواصل میانشان وسط می‌آمد ، او به عنوان ماهرترین فرد شناخته‌شده‌بود که در شهرهای بسیاری در خاور میانه و شبه قاره هند این کار را انجام داده‌بود. وی هم‌چنین به هنگام اندازه‌گیری ارتفاع کوه‌ها ، ژرفای دره‌ها و پهنای افق فنون مشابه را گسترش بخشید ، و موضوع جغرافیای انسانی و سکنه‌پذیری سیاره زمین را مطرح نمود. وی مسکونی بودن تقریباً یک چهارم از سطح زمین برای بشر را برانگاشت ؛ هم‌چنین عرض جغرافیایی کاث (کاج ، کاظ یا کات ، از شهرهای دیرینه در خوارزم) را با استفاده از بیشینه بلندای خورشید محاسبه کرد ، و معادله‌های پیچیده زمین‌سنجشی را به منظور محاسبه دقیق محیط زمین واگشود ، که به اندازه‌های امروزین محیط زمین خیلی نزدیک بود. او شعاع زمین را ۶۳۳۹,۹ کیلومتر برآورد که تنها ۸/۱۶ کیلومتر کمتر از مقدار کنونی ۶۳۵۶,۷ کیلومتر می‌باشد. در مقایسه با پیشینیانی که محیط زمین را با نشانه‌روی هم‌زمان خورشید از دو محل مختلف اندازه گرفتند ، بیرونی روش تازه‌ای را بر پا کرد که با استفاده محاسبات مثلثاتی بر پایه زاویه میان یک دشت و بر فراز کوه بود -که اندازه‌گیری‌های دقیق‌تری از محیط زمین را نتیجه داد- و انجام این کار را با یک شخص برای اندازه‌گیری از یک موقعیت انجام‌پذیر ساخت. او هم‌چنین بررسی‌ای از طرح نمایش تصویر نقشه ، نقشه‌نگاری ، منتشر کرد که شامل روشی برای نمایش نیم‌کره در صفحه بود.

جرجی زیدان در تاریخ تمدن اسلام ذیل جغرافیا می‌آورد: «لفظ جغرافی می‌رساند که این علم را عرب وضع نکرده اما چون جغرافی به تاریخ مربوط است و چون عرب‌ها به واسطه مقتضیات شریعت اسلام پیش از ترجمه جغرافی به زبان عربی کتاب‌هایی در توصیف راه‌ها و شهرها نگاشته‌اند ، لذا در این‌جا از جغرافی اسلامی هم اسمی می‌بریم.»

نقشه جهان ابن وردی، رونوشتی از نسخهٔ خطی سدهٔ دهم یا یازدهم خورشیدی

1-6- تاریخچه علم حفرافیا :

■ جغرافیا پس از اسلام :

عصر کاوش اروپا در سده‌های نهم و دهم و یازدهم ، جایی که یابندگان اروپایی همانند کریستف کلمب ، مارکوپولو و جیمز کوک بسیاری از زمین‌های جدید را یافتند و محاسبه کردند ، اشتیاقی تازه برای ریزه‌کاری‌های دقیق جغرافیایی ، و شالوده نظریه‌های خام در اروپا باز زنده شد. مشکلی که با جغرافی‌دانان و کاوشگران روبه‌رو شد ، پیدا کردن طول و عرض یک مکان جغرافیایی بود. اگرچه مشکل عرض جغرافیایی مدت‌ها پیش حل شده‌بود ، ولی طول جغرافیایی هم‌چنان بازمانده بود ؛ توافق بر سر نصف‌النهار صفر درجه تنها بخشی از مشکل بود. جان هریسون با نوآوری زمان‌سنج اچ۴ در سال ۱۱۳۸/۹ خورشیدی مشکل حل کرد ، و بعداً در سال ۱۲۶۳در فراهمایی جهانی مریدین ، نصف‌النهار گرینویچ به عنوان نصف النهار صفر اتخاذ شد.

جغرافیا در سده‌های دهم و یازدهم و دوازدهم خورشیدی به عنوان یک زمینهٔ دانشی جدا به رسمیت شناخته و بخشی از برنامهٔ درسی دانشگاه‌های اروپا به‌ویژه پاریس و برلین شد. گسترش بسیاری از جوامع اطلاعاتی جغرافیایی در سده‌های دوازدهم و سیزدهم خورشیدی بر پایه جامعه اطلاعاتی جغرافیایی ، انجمن جغرافیایی پادشاهی (بریتانیا) در سال ۱۲۰۸/۹ خورشیدی ، جامعه جغرافیایی روسیه در سال ۱۲۲۳/۴ خورشیدی جامعه جغرافیایی آمریکا در ۱۲۲۹/۳۰ خورشیدی و انجمن جغرافیای ملی (آمریکا) در سال ۱۲۶۶/۶۷ خورشیدی ، در سال ۱۱۹۹/۲۰۰ خورشیدی نمایان شد. اثرگذاری امانوئل کانت ، الکساندر فون همبولت ، کارل ریتر و پول ویدال دلا بلاش را می‌توان نقطه عطف اصلی جغرافیا در انتقال از فلسفه به علم دانست.

طی دو سده گذشته ، پیش‌رفت در فناوری مانند رایانه ، به گسترش علوم نقشه‌برداری و راه و رسمی تازه انجامید ، همانند مشاهده همراه مشارکت و زمین‌آمار که این شیوه‌های تازه در جغرافیای امروزی به کار رفته‌است. در غرب در طول سده‌های سیزدهم و چهاردهم ، نظم و انضباط جغرافیا دست‌خوش چهار مرحلهاساسی شد: جبر محیط زیست ، جغرافیای منطقه‌ای ، انقلاب کمّی و جغرافیای انتقادی. پیوند میان‌رشته‌ای نیرومند میان جغرافیا و علوم زمین‌شناسی و گیاه‌شناسی و هم‌چنین دانش اقتصاد ، جامعه‌شناسی و مردم‌نگاری نیز تا حد زیادی افزایش یافته ، به‌ویژه به عنوان پیامد سامانه دانش زمین که در پی درک جهان در یک دید کلی‌نگر می‌باشد.

نقشه جهان کانتینو، نخستین نقشه‌ای از جهان که یافته کریستف کلمب را می‌نماید.

2-6- مختصر تاریخچه علم جغرافیا :

برخی از دستاورد های جغرافیایی گذشتگان به شرح زیر است :

- بابلی ها منطقه البروج را رصد کرده و ان را به 00 صورت فلکی تقسیم کردند . همچنین ، اولین لوح مسطح از جهان خود را)که می توان گفت اولین سند جغرافیایی بوده است (را ساختند.
- نخستین مبتکران به کارگیری ریاضیات در جغرافیا یونانیان بودند. همچنین نخستین دانشمند یونانی که به اندازه گیری و موقعیت اشیاء بر روی زمین به اظهار نظر پرداخت ، تالس بود.
- آناکسیمنادر شاخص آفتاب را ساخت و اولین کسی بود که نقشه جهان را با مقیاس رسم کرد.

- اراتوستن:

اراتوستن اولین فردی است که واژه جغرافیا را به کار برد ، از همین روی به وی لقب «پدر علم جغرافیا» داده اند. الزم به ذکر است علم جغرافیا تا قبل از اراتوستن به صورت ابتدایی موجود بود تا اینکه وی آن را تعریف کرد و پایه هایی علمی برای آن ساخت.وی همچنین اولین شخصی است که مداری های عبوری از شهرهای اسکندریه و سینه ها(شهری در مصر) را محاسبه و محیط دور زمین را با صحت حیرت آوری اندازه گرفت.شخصی به نام استرابن نوشته های علمی اراتوستن را جمع آوری و حفظ نمود. او اندکی تغییرات بر روی آن انجام داده و باعث شد تلاش های استرابن برای آیندگان به یادگار به ماند.

- بطلمیوس :

جغرافیای باستان با کارهای علمی بطلمیوس(تالیف کتب: سنتاکس (ریاضیات) و تترابیبلوس (نجوم) به پایان رسید. جغرافیایی بطلمیوسی به عنوان مبانی استاندارد این رشته تا زمان اکتشافات جغرافیایی(قرن) پنجم باقی ماند.

- جغرافیا در قرون قرون وسطی :

811-0411(میلادی) اکثر علوم از جمله جغرافیا دچار رخوت و رکود شدند. همچنین کشفیات جدید جغرافیایی از آنان نمی بینیم.
جغرافیا در کشور های اسلامی :

ترجمه کتاب های جغرافیایی اروپاییان توسط مترجمان به زبان عربی ، باعث آشنایی و عالقه مندی اعراب با این رشته شد. (ترجمه کتاب المجسطی در زمان مامون عباسی با عنوان صورت االرض)

- دستاورد های جغرافیایی مسلمانان:

0. اولین نقشه ای در دوران اسالمی مربوط به زمان مامون است ، که در کتاب "مسالک االبصار"ترسیم شده است.نقشه مقدسی دارای رنگ آمیزی ، راهنما و کلید تفسیر بود. .
1. در قرن هفتم محمدبن نجیب بکران در کتاب خود با نام"جهان نامه" نقشه ای ترسیم کرد که دارای شبکه درجه بندی ، طول و عرض جغرافیایی بود (قدیمی ترین نقشه دارای شبکه بندی)
2. اولین کره زمین در جهان را ادریسی با نقره ساخت.
3. ابن خرداذبه را با عنوان پدر جغرافیای اسلامی می شناسند.

2-6- مختصر تاریخچه علم جغرافیا :

- مکاتب و آثار جغرافیایی تألیف شده در قرنهای سوم و چهارم هجری را میتوان به دو دسته اصلی تقسیم کرد:

○ **مکتب عراقی (بغداد مرکز)** : در این مکتب آثاری تالیف شد که به جغرافیای تمام عالم هستی توجه شد ، ولی به کشور های اسالمی بیشتر پرداخته شد. در این دسته آثار ، کوشش بر آن بوده تا اطالعات دنیوی که در تألیفات دیگر اسلامی یافت نمی شود فراهم آید و به همین جهت این دسته را به عنوان ادبیات دنیوی جغرافیایی آن عصر نامیده اند. مؤلفان آن کتاب ها اماکن و شبکه راههای عمومی میان قسمتهای مختلف قلمرو خلفای عباسی را وصف کرده و مطالعاتی از جغرافیای ریاضی ، انسانی ، اقتصادی و نجومی به آن ضمیمه کرده اند. ابن خرداذبه ، یعقوبی ، ابن الفقیه ، قدامته بن جعفرالکاتب و مسعودی از برجستگان این گروه از مؤلفان هستند. نام این دسته از نویسندگان را مکتب عراقی گذاشتند ، زیرا آنان ایران را جزیی از عراق می دانستند و به همین علت کتاب های خودرا با توصیف عراق آغاز کردند.آنان بغداد را مرکز عالم می پنداشتند.

○ **مکتب بلخی(مکه مرکز)** : دستة دیگر تألیفات ، آثار اسطخری ، ابنحوقل و مقدسی است که برای معرفی آنها عنوان مکتب بلخی در نظر گرفته اند چرا که آنان در روش نگارش از ابوزید بلخی (نویسنده کتاب صوراالقالیم) پیروی کرده اند. جغرافیانویسان مکتب بلخی رنگ اسلامی مثبتی به جغرافیا دادند ، علاوه بر آنکه کار اساسی خود را بیشتر منحصر در توصیف اراضی اسلامی کردند ، به آن قسمت از مفاهیم و اطلاعات جغرافیایی اهمیت میدادند که یا در قرآن ذکری از آنها آمده و یا در احادیث و اقوال اصحاب پیغمبر (ص) به آنها اشاره شده بود(.مکتب بلخی در توصیفات جغرافیایی خود بیشتر پیرو قرآن بود).این جغرافی دانان مرکز جهان را مکه می دانستند.

○ **جغرافیای زیارتی** : در سده ششم هجری رونق گرفت که به توصیف قبور و زیارت گاه های مذهبی می پرداختند. «ابن بطوطه» جغرافی دان نامی مسلمانی بوده است که در بیان مسائل ژئوپولتیکی زمانه خود سرآمد بود و به وی لقب «منتسکیو» اسلامی داده بودند.در قرون وسطی پیشرفته ترین آثار جغرافیایی به دست مسلمانان نگاشته شد.سه عنصر اصلی در نگرش جغرافی دانان مسلمان توحید ، افالک و انسان بود .

- رونق دوباره جغرافیا در اروپا (رنسانس):

با اغاز عصر رنسانس دریانوردی به منظور اکشافات جغرافیایی اغاز شد.کریستف کلمب سرآمد مکتشفان این دوران بود که میخواست به هندوستان برسد ولی قاره امریکا را کشف کرد.در این عصر (رنسانس) دوباره جغرافیا جانی دوباره گرفت و نیز پیشرفت های خوبی در فن نقشه کشی (کارتوگرافی) صورت گرفت.جهش بسیار بزرگ در تحوالت علم جغرافیا مربوط به زمانی است که در عهد شارل دوم انجمن های جغرافیایی تشکیل شد (انجمن سلطنتی فرانسه و بریتانیا پیش گام بودند)

اثر ارزشمند «وارینوس» به نام "جغرافیای عمومی" اولین تالش در جهت به کارگیری تفکر علمی در رشته جغرافیا بوده که بعد ها «الکساندر فن همبولت» با تاثیر از اثر وارینوس کتاب "کاسموس" را نوشت. همچنین وارینوس برای اولین بار جغرافیا را به دو بخش (جغرافیای عمومی و ناحیه ای) تقسیم کرد.

2-6- مختصر تاریخچه علم جغرافیا :

- رونق دوباره جغرافیا در اروپا (رنسانس) :

امانوئل کانت اندیشمند بزرگ آلمانی معتقد بود که شناخت آدمی نمیتواند از حدود عقل و تجربه تجاوز کند. وی در بین رشته های مختلف نقش مرکزی را به جغرافیا داد ، زیرا معتقد بود تا وقتی که انسان محیط اطرافش را به خوبی درک نکند نمیتواند خودرا بشناسد. این دانشمند از منابع علمی مهم جغرافیایی به حساب می آید و می توان گفت که به جغرافیا شالوده و اعتبار علمی بالایی بخشید. پارادایم استثنا گرایی یادگار وی است.

1-7- پایه گذاران جغرافیای نوین :

جغرافیای نوین مدیون زحمات این دانشمندان بزرگ و انجمن های جغرافیایی می باشد ، که در زیر به اختصار معرفی شده اند:

- الکساندر فون هومبولت :

از او به عنوان پدر جغرافیای نوین یاد برده می شود زیرا پایان دهنده جغرافیای کلاسیک و آغاز کننده جغرافیای نوین بود. همچنین این دانشمند برای نشان دادن مناطق آب و هوایی از منحنی های «ایزوترم» استفاده کرد. همبولت در جغرافیا بیشتر به مطالعات تطبیقی اعتقاد داشت. وی انسان را بخشی از طبیعت می دانست ، یعنی روش و تفکر او به دیدگاه اکولوژیک بسیار نزدیک بود.

الکساندر فون هومبولت

زادروز	۱۴ سپتامبر ۱۷۶۹ برلین
درگذشت	۶ مهٔ ۱۸۵۹ (۸۹ سال) برلین
ملیت	پروسی
نقش‌های برجسته	جغرافیای زیستی
تأثیرپذیرفتگان	چارلز داروین
دین	کاتولیک مسیحی
جایزه‌ها	مدال کاپلی (۱۸۵۲)

7-1- پایه گذاران جغرافیای نوین :

جغرافیای نوین مدیون زحمات این دانشمندان بزرگ و انجمن های جغرافیایی می باشد ، که در زیر به اختصار معرفی شده اند:

- کارل ریتر :

یک فرد مذهبی بود ، که اعتقاد داشت همه چیز درنهایت به خدا ختم می شود. او از نظریات فیلسوف معروف "ویلهم فردریش" تاثیر پذیرفته بود. وی به علت وحدت طلبی در عین کثرت در مطالعات جغرافیایی خود به ناحیه گرایی بیش از جغرافیای قانون مند توجه نشان داد.اثر بزرگ وی ارکوند(به معنای:علم زمین در ارتباط با تاریخ بشر) نام دارد و به نظر وی در بررسی های تاریخی ، جغرافیا اساس و پایه کار است. ریتر اولین شخص بود که به کوچک شدن جهان و کوتاه تر شدن مسافت هابر اثر استفاده از تکنولوژی و کشتی بخار اشاره کرد.

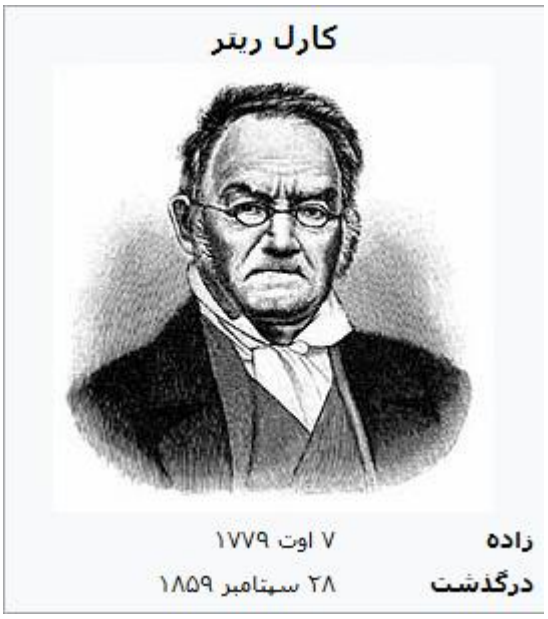

7-2- انجمن های جغرافیایی و جغرافیای نوین :

هدف اصلی این انجمن ها برپایی مراکزی برای کسب اطلاعات جغرافیایی در مورد مناطق مختلف کره زمین در جهت اهداف استعماری بود. اولین انجمن جغرافیایی ابتدا در فرانسه و سپس در انگلستان بر پا شد.

- راه یابی جغرافیا به محافل دانشگاهی :

جغرافیای آکادمیک راه یافته به دانشگاه بیشتر تمایل به بررسی موضوعات طبیعت دارد و بر این اساس جغرافیا به دو شاخه: جغرافیای عمومی(سیستماتیک) و جغرافیای ناحیه ای تقسیم می شود.

7-2- سیر تکوین جغرافیای نوین :

- با پیروزی جبر گرایی (طبیعت گرایی) با انتشار کتاب «منشاء انواع» نوشته دکتر چارلز داروین آغاز راه جغرافیای نوین تلقی میشود.
- جغرافیای نو با سه جریان مختلف از سال 1950 به بعد تحول و تکامل پیدا می کند. نخست ، انقلاب کمی ، موجب شکوفایی تحقیقات دانشگاهی و خلق مکاتب فکری جدید شد.
- در گام پایانی توجه به جنبه های کاربردی جغرافیا در خدمت جامعه و حل معضلات روز دنیا ، این رشته علمی را به تکامل کامل رسانید.

■ جایگاه جغرافیای نو :

جغرافیا به صورت کامل زیر مجموعه علوم انسانی و علوم تجربی نیست ، بلکه دانشی میان رشته ای است که از یافته های علوم مختلفی برای بررسی های خود مدد می جوید. امروزه به دلیل اینکه جغرافیا دانشی سیستماتیک و تخصصی شده است ، لذا برخی از تقسیم بندی های صورت گرفته امروزی گرایش هایی مانند :(جغرافیای سیاسی- جغرافیای اقتصادی- جغرافیای فرهنگی-جغرافیای رفتار شناسی-جغرافیای انسانی و)... زیر مجموعه علوم انسانی دانسته اند. همچنین گرایش هایی مانند (ژئومورفولوژی-آب و هواشناسی-جغرافیای خاک ها- جغرافیای اقیانوس ها و ...) زیر مجموعه علوم تجربی طبقه بندی کرده اند.

7-3- گرایش های جغرافیا نو : جغرافیای طبیعی

■ جغرافیای طبیعی چیست ؟

عبارت است از مطالعه جغرافیایی از چهرههای طبیعی سیاره زمین . این رشته از جغرافیا به تجزیه و تحلیل و سنجش پراکندگی اشکال زمین ، آب و هوا ، خاکها ، گیاهان ، حیوانات و سایر پدیدههای طبیعی میپردازد و از دانش هایی همچون زمین شناسی ، هواشناسی ، فیزیک ، شیمی ، زیست ، مهندسی آب شناسی ، ریاضیات و آمار بهره می گیرد. این شاخه مکان را مفصل تر مورد بررسی قرار می دهد.

* نکته: در جغرافیا مطالعه بر روی زندگی به جغرافیای طبیعی واگذار شده است.

- دو گانه انگاری محیطی :

برای علوم غربی ، جهان طبیعی اساسا ارزش سوداگرایانه و مادی دارد.این نگرش به ویژه از انقلاب صنعتی 1600(میلادی) به بعد موجب ضرر های فراوان به طبیعت شد. ولی امروزه بشر به این نتیجه رسیده است که باید از آن محافظت کند.

7-3- گرایش های جغرافیا نو : جغرافیای طبیعی

- جغرافیای طبیعی را می توان به شاخه های زیر تقسیم کرد:

  - ژئومورفولوژی: این شاخه توسط «ویلیام دیوید موریس» شکل گرفت .با زمین شناسی پیوند بسیار نزدیکی دارد ، به گونه ای که از نتایج کار زمین شناسان برای بررسی زمین ریخت های سطحی زمین بهره زیادی جسته.تفاوت بارز آن با رشته زمین شناسی در این است که ژئومورفولوژی به زمین ریخت های پوسته زمین و عوامل درونی که در پیدایش اشکال سطح زمین تاثیر گذار هستند ، می پردازد.

  - اقلیم شناسی (کلیماتولوژی) : به بررسی و طبقه بندی انواع آب هواها و تاثیر آن بر انسان می پردازد. تفاوت اصلی اقلیم شناسی با هواشناسی در این است که اولی تغییرات بلند مدت آب و هوا و تاثیر آن بر انسان را مد نظر دارد و دومی به وضعیت اتمسفر به صورت کوتاه مدت و در حد پیش بینی های میان مدت و کوتاه مدت می پردازد.

  - جغرافیای خاک : بررسی عوامل و مراحل تشکیل خاک ، عوامل آلی و غیرآلی در آن ، نقش آب و هوا در نوع خاک ، بهره برداری از خاک ، طبقه بندی و پراکندگی انواع خاک ها در قلمرو این رشته مورد مطالعه قرار می گیرد.جغرافیای خاک وابستگی خاصی با جغرافیای طبیعی و جغرافیای کشاورزی و روستایی دارد.

  - اقیانوس شناسی : بررسی علمی پدیده هایی است که اختصاص به اقیانوس های سیاره زمین دارد.

  - بیوژئوگرافی یا جغرافیای زیستی: مطالعه جغرافیایی از پراکندگی حیوانی و گیاهی در خشکی های سیاره زمین است که به دو بخش جغرافیای حیوانی و جغرافیای گیاهی تقسیم میشود.

7-4- گرایش های جغرافیا نو : جغرافیای انسانی

در عصر پست مدرنیسم 1970 (میلادی) جغرافیای انسانی پیشرفت کرد .جغرافیای انسانی به تجزیه و تحلیل پراکندگی فعالیت های اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی انسان بر روی زمین می پردازد.بعضی از صاحب نظران جغرافیای انسانی را جغرافیای اجتماعی می خوانند که یک تعریف ناقص و نه چندان جامع است.

- شاخه های جغرافیای انسانی:

  - جغرافیای اقتصادی : مطالعه پراکندگی فعالیت های انسانی در تولید ، مصرف کاال و خدمات است. جغرافیای قتصادی بیش از همه با تراکم جمعیت و عوامل جغرافیای طبیعی پیوند دارد.

7-4- گرایش های جغرافیا نو : جغرافیای انسانی

- **جغرافیای سیاسی** : از واحدهای سیاسی سیاره زمین و نقش فعالیت های سیاسی در مسائل جغرافیای انسانی و اقتصادی بحث میکند. بخشی از این علم به شناخت اثرات عوامل طبیعی و فرهنگی در ظهور و فعالیت واحدهای پرقدرت سیاسی اختصاص دارد.

* نکته : اقتصاد سیاسی ، بخش از دانش اقتصاد است که از رابطه میان سیاست ، اقتصاد وبه وِیژه نقش قدرت در تصمیم گیری های اقتصادی بحث میکند. به واسطه اینکه اقتصاد سیاسی ، مکان و فضا می آفریند ، لذا باید از جنبه جغرافیایی بررسی شود.

- **جغرافیای فرهنگی** : از پراکندگی جمعیت در سطح زمین و فرهنگ آنها ، اصول و عوامل وابسته به آن ها بحث می کند.

- **جغرافیای سکونت** : از تکوین ، وسعت ، شکل ، نقش و نوع پراکندگی ساختمان ها و بناهای شهری و روستایی

بحث میکند که جهت سکونت انسان و بهره گیری های اقتصادی او ساخته شده است. به کالمی دیگر ، جغرافیای سکونت ، تجزیه و تحلیل پراکندگی سکونتگاههایی است که انسان به وسیله آنها خود را به زمین خاصی وابسته میداند. نقش و شکل مساکن همواره از ویژگیهای فرهنگی و اقتصادی جامعه متأثر می شود. مساکنی که به وسیله انسان بنا می شود بعد از مرگ او نیز سالیان دراز به حیات خود ادامه میدهد از اینرو اجزاء و عوامل ترکیب دهنده مساکن همواره به گذشته تعلق دارد.

- نکته : جغرافیای سکونت رابطه نزدیکی با جغرافیای جمعیت دارد.

- **جغرافیای شهری** : از پراکندگی جغرافیایی شهرها و علت وجودی آنها ، همچنین از مورفولوژی ، وسعت ، نقش ، بهره برداری از زمینهای داخل شهرها ، بررسی نقش یابی مناطق شهری ، توسعه شهر و نتایج آن ، تأثیر شهر در نواحی اطراف ، منطقه نفوذ خود و بالاخره از مسایل و مشکلات شهری در زمان حال و آینده بحث می کند.

- **جغرافیای تاریخی** : بررسی تأثیرات محیط های جغرافیایی در پدیدههای تاریخی.

7-5- چند مفهوم مهم در جغرافیای نوین

- **مفهوم پس آیند در جغرافیا** : یعنی به صورت سلسله وار ابتدا موقع ریاضی ، آب و هوای خاصی را به وجود می آورد و سپس آب وهوای به وجود آمده زندگی حیوانی جدیدی را شکل می دهد.در انتها هر دوی این عوامل طبیعی حیات انسانی را خلق می کند (.سلسله مراتبی)

- **مفهوم تخریب و بنا** : انسان و طبیعت دو عامل فرسایش و دگرگونی طبیعت به شمار می آیند.

- **مفهوم پراکندگی** : از عواملی که مورد توجه دانش جغرافیا است ، می توان به : (پراکندگی عوامل طبیعی و محیط دست ساز انسان اشاره کرد.)

- **چشم انداز** : چشم انداز ها مفاهیم سه بعدی هستند.در علم جغرافیا چشم اندازه همواره با عوامل فرهنگی گره می خورد. در مطالعه چشم انداز باید به صورت کلی نگری به پدیده ها نگاه کرد.

  - نکته : عامل فرهنگ + زمان + بستر محیط طبیعی = چشم انداز فرهنگی

  - در برخورد با چشم انداز ها غالبا دوروش زیر را به کار می برند ،که عبارتند از:

  - **مورفولوژی تکوینی** : تاکید بر صورت و شکل ظاهری چشم انداز است.
  - **روش تسلط شخصی** : زیباترین محیط چشم اندازی توسط نقاشان و عکاسان تجسم شده یا به تصویر کشیده می شود.

    در این روش رونشناسی شخصی عامل مهمی به شمار می رود.

  - جغرافیای چشم انداز روی سه موضوعی اساسی تاکید دارد ، این سه موضوع عبارتند از :

  - مشاهده کردن
  - اندیشیدن
  - تشریح کردن

مفهوم چشم انداز از مکاتب جغرافیایی کشور آلمان است ، که برای اولین بار در سال 0905 کارل ساور (جغرافیدان آمریکایی) آن را وارد ادبیات جغرافیایی کرد.

* نکته : یک تعریف خاص از چشم انداز: یک چشم انداز ، فضایی است از اشکال طبیعی و فرهنگی که آثار انسانی را در محیط خود و در طول زمان نشان میدهد. چشم انداز های جغرافیایی روابط متقابل بین انسان و طبیعت کامال مشهود است. یعنی چشم انداز های جغرافیایی را انسان و طبیعت بایکدیگر خلق می کنند(.به طور مثال: باالی یک کوه ایستاده ایم و به دور دست خیره می شویم ، منظره هایی که چشم ما می بیند شامل :کوه ، دشت ، رودخانه ، بوته زار و درخت ، جاده ، مزرعه ، روستا و ... .

7-6- جغرافیای نوین و چشم انداز فرهنگی

در مطالعات جغرافیایی ، چشم اندازهای فرهنگی تا حدودی با ارزشترین وسیله تحقیقات به شمار می آیند ، زیرا این قبیل چشم اندازها می توانند مکان های مختلف جغرافیایی را از یکدیگر کاملاً مشخص و متمایز سازند و نوع بهره برداری جوامع بشری را از محیط های طبیعی هر چند در مقیاس محلی ، نشان دهند.

- جغرافیای فرهنگی :

جغرافیای فرهنگی در گذشته نه چندان دور (اوایل قرن 19 میلادی و نمیه دوم قرن 20 میلادی) به فراموشی رفته بود ، زیرا در این دوران تصور می شد که عوامل تعیین کننده در شیوه و معیشت انسان ها تماما توسط طبیعت تعیین می شوند (دیدگاه جبر محیطی) لذا توجه به فرهنگ و شیوه زندگی جمعی انسان ها به کلی به دست فراموشی سپرده شده بود.

پیشرو مطالعات چهره های فرهنگی ، «کارل ساور» (Carl Sauer) –جغرافیا دان و استاد دانشگاه برکلی آمریکا- است. بی توجهی به جغرافیای فرهنگی نواحی تا آنجا ادامه یافت که ، برای اولین بار در قرن گذشته میلادی ، «الکساندر فن همبولت»
(پدر جغرافیای نوین) در بررسی های اشکال ناهمواری و پوشش گیاهی در امریکای لاتین به فرهنگ و معیشت ساکنان این نواحی نیز در نوشته خود پرداخت .دومین جغرافی دانی که به جغرافیای فرهنگی در قرن گذشته توجه کرد ، «کارل ریتر» -جغرافیادان و سیاسمت دار آلمانی - بود.می توان گفت سطوحی از سیاره زمین که با اعمال انسانی تغییر شکل پیدا می کنند ، چهرهای فرهنگی خوانده می شوند و انسان از طریق تخریب و بنا ، این دگرگونی را در چشم اندازهای جغرافیایی موجب می شود.

اولین موضوع مورد مطالعه در یک ناحیه فرهنگی ، بررسی و شناخت چهره هایی است که به واحدهای جغرافیایی کلیت ، اصلیت و امتیاز بخشیده است.

- دگرگونی و بازتاب های فرهنگی جوامع انسانی دو عامل نمود بیشتری دارد:
  - اختراع و نوآوری در داخل جامعه
  - پراکندگی جغرافیایی فرهنگ ها

برخی عوامل موجب سختی مطالعات فرهنگی در یک ناحیه جغرافیایی می شوند ، این عوامل عبارتند از:

- نارسایی معیارها در تعیین نواحی فرهنگی
- مقیاس مطالعه
- تعیین مرزهای فرهنگ
- تغییرات زمان

تعیین حدود و قلمرو جغرافیای فرهنگی به طور دقیق توسط جغرافی دانان مشخص نیست . (مثال: بعضی از جغرافی دانان همه مطالعات جغرافیایی به جز جغرافیای طبیعی را مربوط به جغرافیای فرهنگی می دانند و ... .)

7-6- جغرافیای نوین و چشم انداز فرهنگی

- حدود تقریبی جغرافیایی فرهنگی :

ولی حدودی تقریبی برای این شاخه مشخص شده است ، که مورد قبول اکثر دانشمندان جغرافیا می باشد ، این حدود از عوامل زیر پیروی می کند :

- بهره برداری انسان از بوم خود.
- فرهنگ انسانی و تغییرات عوامل محیط طبیعی. (مثال: فرسایش خاک به طریق شخم زدن اشتباه و)... .
- انوع و اشکال سکونت گاه های شهری و روستایی.
- ارزیابی فرهنگی از مکان های جغرافیایی .

(در این قسمت مسایلی نظیر : انسان چگونه و به چه شکلی با منابع طبیعی خود عمل می کند ، مورد توجه قرار می گیرد . در این راه حدود تکنولوژی انسان در بهره مندی و نگهداری از منابع طبیعی معلوم می شود).

- مطالعه و بررسی منشأ و پراکندگی تمدنها و فرهنگ ها.
- مطالعه عوامل غیرمادی فرهنگی.

روش مطالعه و تحقیق در جغرافیای فرهنگی بر پایه چهار سوال کلیدی(کجا ؟چه چیز ؟ چه وقت ؟ چه طور ؟) قرار دارد. در جغرافیای فرهنگی با فرد سر و کار نداریم ، بلکه با مؤسسات و مراکز جمعی بیشتر در ارتباط خواهیم بود.

7-7- جغرافیا ، فرهنگ و ایدئولوژی

ایدئولوژی منشأ و اساس شکل و نوع زندگی ، نوع مؤسسات و سازمان های فرهنگی است. قبول ایدئولوژی به دارندگان فرهنگ ها جایگاه ویژه ای میبخشد. مجموعه سازمانمند باورها و اندیشه های ثابت سیاسی و اجتماعی فرد و یا گروه های فرهنگی و اجتماعی و یا سیاسی را ایدئولوژی گویند .(مثال: ایدئولوژی مارکسیست ، کمونیست و ...)

بررسی و مطالعه در شیوه فرهنگ ها به دوصورت انجام می گیرد:

- حالت تکوینی : مطالعه منشأ و تحوالت تاریخی فرهنگ ها ، تکامل و دگرگونی آنها.
- بیان نقش : مطالعه تأثیر عوامل و پدیده های فرهنگی در محیطی معین.

- سهم عوامل فرهنگی و انسانی در علم جغرافیا :

اگر در مطالعات جغرافیایی از نقش و تاثیر متقابل انسان چشم پوشی کنیم ، از مفهوم واقعی جغرافیا خارج شده ایم. به طور مثال: اگر محیط و زمین ریخت های زمین را بدون تاثیر متقابل انسان بررسی کنیم ، صرفا به قلمرو رشته زمین شناسی وارد شده ایم و اگر هوا را بدون توجه به تاثیرات متقابل انسان که بر آن می گذارد بررسی کنیم ، آنگاه به طور خاص وارد قلمرو رشته هواشناسی فیزیکی شده ایم ، بدون اینکه خود متوجه شده باشیم.

جبر جغرافیایی درمفهوم تعدیل شده خود به معنای تاثیر عوامل محیط طبیعی بر فرهنگ ، اقتصاد و شیوه معیشتی انسان است. اما زیاده روی در این نگرش و اسیر دانستن انسان توسط طبیعت به افراط می انجامد که اول دور از واقعیت است و دوم از جانب بسیاری جغرافی دانان و متخصصان علوم اجتماعی رد شده است.سخن گفتن از جبر جغرافیایی نباید ما را بدین نتیجه رهنمود کند که انسان اسیر و مقید در محیطهای جغرافیایی است ، بلکه انسان خود عامل سازنده و اجراکننده به شمار میرود. بستر این سازندگی امکانات محیط طبیعی است.در جوامع پیشرفته امروزی ، کنترل و تعدیل ناملایمات طبیعت به مراتب بهتر از گذشته شده است.

«الثورث هانتینگتن» بر روی تاثیر عوامل محیطی بر زندگی انسان ها مطالعات بسیاری داشته است.

- از جمله ترسیم خط هم دمای بیست و یک درجه سانتی گراد (خط زندگی ایده آل زندگی انسانی)

- اختالف در خوی ، منش و مزاج انسان ها که این بسیار در سرنوشت اقوام تاثیر می گذارد ، تا اندازه ای مدیون تأثیرات آب و هوا است.

«منتسکیو» معتقد است :

(مردم نواحی سردسیر مایل به سختی و شدت هستند. اما ، مردم نواحی گرم تمایل به تنبلی دارند.) همچنین «باکل» می گوید: هر چه انسان بیشتر بر محیط مسلط شده به همان مقدار نیروهای خارجی و طبیعی ، قدرت خود را در تعیین حوادث و سرنوشت ادمی از دست داده اند. «فردریک راتزل» عقیده دارد : پایه و اساس تمدن های گذشته در کنار رودهای پر آب شکل گرفته اند.

Ellsworth Huntington

7-8- جغرافیا ، انسان و فرهنگ

پژوهش های امروزی نشان می دهد ، بهترین درجه حرارت در حدود بیست درجه سانتیگراد است ولی با لباسهای سبک 21 درجه سانتیگراد که رطوبت نسبی بین 41 تا 71درصد باشد. بین عوامل طبیعی ، آب و هوا نقش بسیار مهمی در فعالیت های انسانی سیاره زمین دارد ، به طوری که هیچ نژاد و گروهی امکان گریز از تأثیرات شگرف و عمیق آن را ندارد.

عده ای از محققین معتقدند که : ظهور و شکوفایی تمدن های بشری در قاره آسیا و آفریقا به رسوبات رودخانه ای و خاکه ای حاصلخیز بستگی داشته است. در حالیکه توسعه و رشد اقتصادی و پیشرفت های اجتماعی نواحی معتدل نظیر اروپای غربی به شرایط مساعد آب وهوایی مربوط می دانند. عوامل محیط طبیعی به رودخانه ها ، جنگل ها و کشتزارها نه از جنبه های اقتصادی و تجاری بلکه ، از دید منبع الهام رؤیاهای بشر ، افسانه ها ، شعر و داستان سرایی و موسیقی مینگرد.

1-8- جغرافیای کاربردی : تعریف ، مفهوم و روش های آن

جغرافیای کاربردی چیست ؟ (تعاریف گوناگونی ارائه شده که به شرح زیر هستند)

- شاخه ای کامل تخصصی از جغرافیا است.
- در جغرافیای کاربردی ، جغرافیدان ، با مسایلی که عملا مطرح است روبرو می شود. او نه تنها وضع موجود را بررسی میکند بلکه چهارچوب جغرافیای آینده را نیز در نظام خاصی ارائه می دهد.
- اصوالً آینده نگری وظیفه مهم جغرافیای کاربردی است.
- جغرافیای کاربردی ، برخورد عملی با مشکلات و مسائل ویژه است.
- جغرافیای کاربردی ، حل مسائل علمی در قلمرو جغرافیاست.
- جغرافیای کاربردی ، کاربرد عملی تحقیقات جغرافیای در برآورد نیازهای ملی ، اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی و مهم تر از همه در برنامه ریزی های ناحیه ای و فیزیکی است.
- برنامه ریزی در مورد مکان های جغرافیایی(چه فرهنگی ،چه اجتماعی و چه طبیعی) اساساً وظیفه جغرافیای کاربردی است.
- جغرافیای کاربردی ، به کارگیری روش ها و تکنیک های جغرافیایی در تحلیل مسایل مهم ، نظیر عقب ماندگی کشورها و نواحی ، اضافه جمعیت ، استفاده از زمین در شهر و روستا و باالخره در برنامه ریزی شهری است.

* نکته: در تاریخ علم جغرافیا ، شاید برای اولین بار ، «جان اسکات کلتی» عنوان جغرافیای کاربردی را برای اهداف استعماری ، صنعت و بازرگانی به کار گرفت.

1-8- جغرافیای کاربردی : تعریف ، مفهوم و روش های آن

با آغاز دهه بیستم میالدی ، اغلب جغرافیدانان ، جغرافیا را به دو بخش نظری و عملی (کاربردی) تقسیم می کنند

(مثال : دو گرایش ژئومورفولوژی عملی و ژئومورفولوژی کاربردی در مقطع کارشناسی ارشد و ...)

در جغرافیای عملی به بررسی معضالتی نظیر:

مشکالت روز افزون افزایش جمعیت ، فقر و بیکاری ، حومه نشینی شهری و مشکالت آن ، ضرر وزیان های مالی و جانی ناشی از رخداد زلزله ، سیل ، حرکات توده ای ، وقوع خشکسالی و

اثرات آن بر حیاط گیاهی و جانوری و ... پرداخته شده و سپس با دادن راهکار هایی سعی در پیشگیری ، پیش بینی و کاهش آسیب های موجود است.

- مشخصات دو گانه تحقیقات جغرافیای کاربردی :
  - بر طبق تقسیمات و شاخه اصلی جغرافیا :

نظیر : جغرافیای شهری کاربردی ، آب و هواشناسی کاربردی ، ژئومورفولوژی کاربردی ، جغرافیای روستایی کاربردی ، جغرافیای جمعیتی کاربردی و ... .

  - بر طبق قلمروهای مختلف مسایل اجتماعی و اقتصادی جامعه که از شرایط جغرافیایی مکان تأثیر پذیرفته :

نظیر : سیاست های جمعیتی ، برنامه ریزی های کشاورزی ، برنامه ریزی درمانی و ... .

در انجام تحقیقات و بررسی های مربوط به موضوعات جغرافیای کاربردی ، جغرافیدان می تواند از علم خویش و با به کار گیری یافته ها و تجربیات دیگران اقدام به پژوهش کند. ولی باید

توجه داشت جغرافیدان نمی تواند تنها به یک ایده و تجربه متوسل شده و در قلمرو پژوهش های جغرافیای کاربردی ورود کند. زیرا ، مسائل روز جغرافیای کاربردی اغلب تکرار نشدنی ،

منحصر به فرد بوده و از مسائل روز می باشند ، که خود به تنهایی تجربه ای جدید می طلبد و نمی

توان تنها به تجربیات گذشتگان در یک موضوع کامال جدید متکی بود.

* نکته: از جغرافیای نظری می توان به عنوان مواد اولیه و بستری برای جغرافیای کاربردی نام برد.

در سالیان گذشته ، تاکید بر جغرافیای کاربردی دستاورد های بزرگی برای رشته جغرافیا به ارمغان آورده است.

2-8- دست آوردهای جغرافیای کاربردی

دستاورد ها عبارتند از :

- اعتباریابی جغرافیا به عنوان یک شاخه علمی ممتاز در مسیر مطلوبیت بخشیدن به شرایط زندگی جامعه ها
- بالا رفتن سطح اشتغال و تأمین شغل برای تحصیلکرده های رشته جغرافیا
- دستیابی علم جغرافیا به نظریه های دقیق علمی و به کارگیری این نظریه ها به سود جامعه های انسانی
- تأمین هزینه های تحقیقات جغرافیایی از طرف سازمان های دولتی ، مؤسسات مالی و سازمانهای مختلف با توجه به هدف های عملی جغرافیای کاربردی.

برخی جغرافی دانان برای حل مسائل عملی در جغرافیای کاربردی پنج مرحله پیشنهاد کرده اند ، که عبارتند از :

1- بررسی و پیاده کردن اطالعات روی نقشه

2- تعریف و تفسیر مسایل

3-تحلیل مسایل

4- فرمولبندی راه حل ها و استراتژی ها

5- انتخاب استراتژی های معین

در جغرافیای کاربردی ، یک جغرافیدان باید ارزش داوری گوناگون را در داخل روش تحقیق خود درجه بندی کند و با انصاف و بی طرفی واقعیت ها را در تصمیمات نشان دهد و برای آن راه حل هایی داشته باشد.در جغرافیای کاربردی نمی توان برای حل مسائل روز در قالب یک طرز تفکر از پیش تعیین شده ، به فکر حل مسأله افتاد ،چون هر پدیده جدیدی که رخ داده می تواند یک تجربه علمی جدید باشد. بی توجهی جغرافیدانان به مسائل سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی روز دنیا ، ضرر و زیان های جبران ناپذیری در سالیان گذشته بر بدنه این رشته علمی وارد کرده است. لذا باید جغرافیدانان همواره بکوشند سطح آگاهی های خود را در تصمیم گیری های کلان سیاسی ، کشور–منطقه ، مسائل فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی تقویت کنند تا تصمیماتی که در حوزه جغرافیای کاربردی اتخاذ میکنند با شرایط فعلی آن جامعه مطابقت داشته باشد.

* نکته : در جغرافیای کاربردی توان بالقوه ای در پیش بینی و ترسیم آینده مسائل محتلف جغرافیایی وجود دارد.

1-9- مکتب های هستی شناسی

مکتب فکری به چه معناست ؟

مکتب پیکره بندی و رویکردی در اندیشه ای ، در حوزه ی خاصی از دانش است که بر بنیادی زیربنایی تر بنا شده است.مکتب برای فراورده های فکری خود رویکردساز و جهت دهنده است. مکتب فکری در منظومه ی دانش بشری با مشخصههای خود شناخته میشود.

- در جهان علم سه مکتب یا دیدگاه مهم برای شناخت هستی وجود دارند ، که به شرح زیر می باشند:

- دیدگاه تجربه گرایی (پوزیتیویسم) : انسان تنها با استفاده از حواس خود می تواند به واقعیات پی ببرد و هیچ شناختی یا واقعیتی خارج از دایره حواس آدمی وجود ندارد(.هرچه حس می کنیم و میفهمم یعنی وجود دارد.)
- علم تفسیری-تحقیق تفسیری (کل به جزء) : نظریه پردازان این مکتب معتقدند که برای شناخت موضوعی باید راه شرح و تفسیر را پیش گرفت.
- دانش انتقادی (مکتب فرانکفورت) : بزرگان این دیدگاه از مکتب فرانکفورت هستند که منتقد به تجربه گرا ها هستند همچنین افکار «کارل مارکس» - فیلسوف آلمانی- را با توجه به شرایط زمانه ، اصلاح آن را الزم می دانند.

2-9- مکتب های جغرافیایی

- چهار مکتب ماندگار در رشته جغرافیا عبارتند از :

الف - مکتب تفاوت های مکانی: این مکتب در جغرافیا که باید تفاوت های مکانی راشناخت ، از 2000سال پیش تا سده 19 میلادی اساس جغرافیا بود. در قرن نوزدهم دیدگاه استعماری کشور های اروپایی که تالش می کردند نقاط استعماری را بشناسند به این دیدگاه اعتبار بیشتری بخشید.

ب - مکتب چشم انداز (یا مکتب برکلی) : این مکتب ابتدا در آلمان پایه گذاری شد. عده ای از جغرافیدانان مفهوم چشم انداز را به عنوان ناحیه ویژه با مرزهای معین می نگرند.

«کارل ساور» عقیده دارد که : ما دو چشم انداز داریم: (چشم انداز فرهنگی (انسان ساخت) و چشم انداز طبیعی (طبیعت ساخت).

- * نکته : به نظر کارل ساور ، انسان خود یک عامل مورفولوژیکی محسوب می شود .مکتب چشم انداز به ویژه در شاخه جغرافیای انسانی ، گاهی به عنوان «مکتب برکلی» خوانده می شود که آن را ،گروهی از همفکران کارل ساور در گروه جغرافیای دانشگاه برکلی آمریکا گرد آورده اند.

ج - مکتب اکولوژیکی یا مکتب محیطی : در این مکتب تأکید بیشتر در زمینه اثرات محیط جغرافیایی مطرح میگردد ، تا آنجا که یکی از نام آوران مکتب اکولوژیکی به نام «هارلن باروز» ، جغرافیا را علم اکولوژیکی انسانی میداند.

- * نکته : باید توجه نمود که در جغرافیای طبیعی اغلب بایستی به بخش هایی پرداخته شود که بر روی انسان و محیط طبیعی به صورت متقابل اثر می گذارد. اگر جغرافی دانی به این امر مهم توجه نکند به صورت ناخوداگاه وارد قلمرو مطالعاتی رشته های دیگر می گردد و کارهای پژوهشی و تالیفی وی از اعتبار ساقط می شود . (در کشور ایران اغلب ژئومورفولوژیست ها و اقلیم شناسان دچار این چنین خطاهایی شده و به جای اینکه در مسیر رشته خود گام بردارند ، وارد حوضه های مطالعاتی علومی همچون: زمین شناسی و هواشناسی میشوند).

9-2- مکتب های جغرافیایی

- چهار مکتب ماندگار در رشته جغرافیا عبارتند از :

د-مکتب سازمان فضای زندگی : نگرش علمی به جغرافیا به عنوان علم پراکندگی ، جغرافیا را بیش از پیش به علوم ریاضی وابسته می کند. در این مکتب ، جغرافیا علم مطالعه پراکندگی فضاهای زندگی و وابستگی های مکانی است. در اینجا مفاهیم (مکان) و (پراکندگی) اساس کار جغرافیدانان می باشد. تئوری تحلیل مکانی در علوم اجتماعی ، علوم اقتصادی ، بیش از جغرافیای انسانی راه تکامل پیموده است .مکان یابی صنعتی و کشاورزی اساساً با مکان اقتصادی ، در رابطه است. در مکتب سازمان فضای زندگی به روش های آماری و ریاضیات در توجیه سازمان بندی فضای زندگی تأکید می شود.

- *نکته : در این مکتب ، وجه اشتراک شاخه های علمی با جغرافیا ، از امتیازات مثبت مکتب سازمان فضای زندگی محسوب میشود.
- * نکته : نتیجه میگیریم که در مکتب سازمان فضای زندگی ، قلمروهای مشترک میان جغرافیا و علوم اجتماعی بیانگر اهمیت یابی میان رشته ها و شاخه های مختلف جغرافیا است.
- *نکته : قلمروهای مشترک میان شاخه های مختلف جغرافیای انسانی با جامعه شناسی نیز زیاد است. چنانکه جامعه شناسی شهری ،اکولوژی انسانی و جمعیت شناسی ، قلمروهای مشترک زیادی با جغرافیای شهری ، جغرافیای اجتماعی و جغرافیای جمعیت دارند .جغرافیای رفتاری نیز قلمروهای مطالعاتی مشترک بسیاری با روانشناسی دارد.

9-3- جغرافیای پست مدرن

- جغرافیدانان پست مدرنیسم :

به بیان ساده مدرنیته را می توان ، مجموعه فرهنگ و تمدن اروپایی از رنسانس به این سو دانست که سیر تحوالت گستردهای در نگرش انتقادی ، فلسفه ، معماری ، هنر ، ادبیات و فرهنگ این قاره شکل گرفت. پست مدرنیسم مفهومی تاریخی . جامعه شناختی است که به دوران تاریخیِ بعد از مدرنیسم اطلاق میشود.پست مدرنیسم موجب برانگیختگی حساسیت جغرافی دانان به سیاست ، فرهنگ واقتصاد شد و تحلیل مربوط به قدرت را در جغرافیای رادیکال آغازکرد. مهم ترین تاثیر پست مدرنیسم در جغرافیا ، تاکید مجدد به عامل فضایی پدیده ها بود.

9-4- مکتب جغرافیای زیبا شناختی

«الکساندر فون هومبولت» از طریق دیدگاه اکولوژیک ، زیبایی شناختی را وارد جغرافیا کرد. برای هومبولت ، همبستگی بین علم وهنر بسیار با ارزش بود.در واقع یکی از مفاهیم اساسی علم جغرافیا ، همان چشم انداز جغرافیایی است که میتوان با عینک زیبایی-شناختی به طبیعت و عناصر دست ساخت انسانی نگریست.

(مثال: یک کوه زیبا ، یک دشت زیبا ، یک پل راه آهن استوار و زیبا و ... .)

9-5- مکتب جغرافیای رفتار گرایی

جغرافیای رفتار گرایی فضایی در پی کشف و شناخت نقشه های ذهنی مردم و پرده برداری از ادراکات آن ها از مکان ها است. این مکتب از روانشناسی برای تحلیل های خود میان مردم و جغرافیا بهره های فراوان می برد.عنوان شیوه زندگی در جغرافیای رفتاری مورد توجه است.عواطف ، هیجانات ، تمایالت فکری و نگرشی انسان ها باید در تحلیل های فضایی و جغرافیایی مورد توجه واقع شوند. در جغرافیای رفتار گرایی فضایی دو رشته روان شناسی محیطی و روانشناسی اکولوژیک مورد توجه قرار می گیرد.

- این جغرافی دانان سه محیط را در زندگی انسان موثر می دانند. این سه محیط عبارتند از :

  - محیط پدیداری انسانی: شامل تاثیر عوامل محیطی در رفتار انسان مثال :تاثیر تراکم جمعیت در شیوه زندگی شهری
  - محیط پدیداری فیزیکی: تاثیرات محیط طبیعی و انسان ساخت در احساس و ادراک. مثال : مرفح نشینی و آلونک نشینی بر خلق و خوی انسان ها.
  - محیط زمینه ساز: مراحل مختلف دوران زندگی بر حسب سن ، پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواتدگی ، قرار گرفتن در طبقات مختلف و ...

در جغرافیای شخصی ، هر فردی از محیط طبیعی خود شناختی دارد و در واقع این شناخت جغرافیای منحصر به فردش محسوب می شود.بیشتر مطالعات جغرافیای رفتاری در زمینه جنبه فضایی علم جغرافیا صورت گرفته است.

9-6- مکتب جغرافیای ساختاری

به صورت کلی ، به الگو ، آرایش یا سازمان دهی اجزای مرتبط در یک سیستم ، جغرافیای ساختاری نامیده می شود. این نوع جغرافیا با مشاهده یا بازشناخت الگو قابل تشخیص و کشف است.چشم انداز های جغرافیایی به وسیله عاملین یا بازیگران صحنه های جغرافیایی به وجود می آیند و در داخل یک ساختار اجتماعی ویژه نقش آفرینی می کنند.

جغرافیای نظم فضا از ترکیب ساختارها و فرم ها تشکیل می شود.در این نوع جغرافیا رژیم انباشت (شیوه های تولید) مطالعه می شود.

9-7- فوردیسم و تاثیر آن بر زندگی شهری

مکتب فوردیسم «Fordism» بر گرفته از نام «هنری فورد» موسس و مالک شرکت خودرو سازی «FORD» در ایالت متحده آمریکا است.هنری فورد یک نظام صنعتی ماشین سازی را در حومه یکی از شهرهای آمریکا به وجود آورد. برای اولین بار جهت تولید انبوه ، کارخانه به بیرون از محیط شهری منتقل شد و به تبع آن مساکن کارگران و جمعیت انبوهی در حومه شهر ساکن شدند.به دنبال این موضوع مدارس ، فروشگاه ها و راه های زیادی احداث شد و برای اولین بار به حومه شهری به صورت رسمی توجه شد.

این دوره را به نوعی میتوان با این جمله تعبیر کرد «شهر برای خدمت به ماشین ،ماشین در خدمت برای شهر»

9-8- جغرافیادان گلخانه ای کیست ؟

در اغلب کشور های توسعه نیافته از جمله ایران ، به ساختار گریزی بر می خوریم. این باعث می شود که جغرافی دان از روش میدانی دور شود و واقعیت های کشور خود را در پشت شیشه ببیند. جغرافی دانی که در کارهای پژوهشی خود با ساختار جامعه و محیط طبیعی آشنایی نزدیکی ندارد ، جغرافیدان گلخانه ای نامیده می شود.

9-9- مکتب جغرافیای رادیکالیسم

رادیکالیسم به معنای هواخواهی و طرفداری از «دگرگونیهای بنیادی» جامعه و نهادهای اجتماعی موجود است.رادیکال ، از نظر لغوی به معنای اصل و ریشه است.در علوم اجتماعی به آن اندیشه هایی میگویند که اقداماتی تند و سخت و ریشهای را در بهبود جامعه خواهانند و دگرگونی های بنیادی را در امور سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی طلب میکنند.

دو عامل باعث گسترش جغرافیای رادیکالی در جهان شد .این دو عامل عبارتند از:

- جنگ ویتنام
- گسترش ناعدالتی های جهان امروزی

- * نکته : جغرافی دانان رادیکال در این مکتب معتقدند که فقط تفسیر های جغرافیایی سودمند نیست بلکه ، باید بتوان جهان را تغییر داد.
- * نکته : جغرافی دانان رادیکال عقیده دارند ک هما همه زندانیان تاریخ و اقتصاد هستیم.
- * نکته : در جغرافیای رادیکال ، علت ها بیش از معلول اهمیت دارند.
- * نکته : این جغرافی دانان معتقدند که ، مارا بیشتر محیطمان می سازد.

در جغرافیای رادیکالی اغلب معتقد به بازساخت و دگرگونی های کیفی در میان بخش های سازنده یک اقتصاد سرمایه داری هستند. اندیشمند بزرگ «کارل مارکس» معتقد بود ، عامل سرمایه داری و سرمایه محوری موجب فقر و تنگدستی فرودستان شده و جهان را به دوقطب فقیر و غنی تبدیل کرده است. «هربرت مارکوزه» معتقد است که نظام سرمایه داری بر طرف کننده نیاز های بشر نیست ، بلکه نیاز هایی که خود آفریده است را می تواند رفع کند.جغرافی دانان سرمایه داری معتقدند که اگر بخواهیم مسایل فضایی و محیطی را به درستی بشناسیم ، تنها از طریق آشنایی با شگردهایه سرمایه داری امکان پذیر است.جغرافیای رادیکال بیشتر عوامل اقتصادی و سیاسی را در بر می گیرد.

9-10- مکتب جغرافیای فرهنگی نو

فرهنگ به روابط ، هنجار ها و عقاید یک گروه انسانی خاص اطالق می شود. فرهنگ ویژگی های گروه های انسانی است و نه فردی. در ابتدا جغرافیای فرهنگی با رویکردی تاریخی به مسائل جغرافیایی نگاه می کرد.

- چهار موضوع اساسی در جغرافیای فرهنگی عبارتند از :
  - تکامل
  - بوم شناسی
  - رفتار
  - نماد ها

- نکته : در جغرافیای فرهنگی نو ، تحلیل چشم انداز از مفاهیم مهم به حساب می آید.

توجه به عقیده جغرافی دانان این مکتب ، چشم انداز هارا ایدئولوژی های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی شکل می دهد.در جغرافیای فرهنگی نو ، جغرافیای قدرت از مباحث همده به حساب می آید.

9-11- مکتب جغرافیای اکولوژیک

بوم شناسی را همبستگی متقابل بین موجود زنده و محیط پیرامون آن می شناسند. وظیفه ای که رشته جغرافیا در طول مدت شکل گیری در پی آن بوده ، همین بررسی همبستگی و ارتباط متقابل موجودات زنده بویژه انسان با محیط بیرونی بوده است. به همین سبب بوم شناسی را میتوان فلسفه اولیه شکل گیری جغرافیا نامید. در جغرافیای نو محیط یک مفهوم گسترده تر از محیط طبیعی دارد ، مانند: محیط انسان ساخت – محیط سیاسی – محیط اجتماعی ودر ادامه به دلیل همین گسترده بودن محیط در جغرافیا است که موجب می شود تا اثرگذاری متقابل بین علوم اجتماعی و انسانی با علوم طبیعی در قالب علم جغرافیا به ظهور رسد.با ورود بوم شناسی از رشته های طبیعی و زیست شناسی به علوم اجتماعی ، بوم شناسی وارد مباحث مربوط به انسان و جامعه انسانی گردید. در همین زمینه «بن بنت» بوم شناسی انسانی را همان رفتار انسان ها می داند و «کرول» و «پارکین» نیز برداشت بوم شناسانه از انسان را برداشت جامعه گرایانه میدانند. به این ترتیب بوم شناسی چه در علوم طبیعی و چه در علوم اجتماعی بیشتر بر روابط کارکردی بین اجزاء تاکید دارد.

* نکته : مفاهیم اکولوژیک بیشتر در مکتب جبر محیطی مطرح شدند.

9-12- مکتب جغرافیای اکولوژیک

- در این مکتب همواره دو دیدگاه مورد توجه است :

  - حاکمیت انسان بر محیط طبیعی : در این دیدگاه انسان می تواند به کمک محدودیت های تکنولوژیک ، سختی های محیط طبیعی را برطرف کند.
  - حاکمیت طبیعت بر انسان : در اغاز هزاره میلادی از جانب بزرگانی از جمله «ساموئل هانتیگتن» مورد توجه واقع شد.

9-13- مکتب جغرافیای آنارشیستی

جدای از بنیان های فکری و ایدئولوژیک ، مکتب آنارشیسم در رابطه با طبیعت ، انسان را بخشی از طبیعت تصور نموده و چون در طبیعت سلسله مراتب وجود ندارد ، پس جوامع انسانی نیز به عنوان یک جزء از طبیعت نمی تواند از ساختارهای طبیعی عمل نماید. براین اساس در جوامع انسانی نباید سلسله مراتب وجود داشته باشد. از نظر مکتب آنارشیسم آنچه موجب ایجاد سلسله مراتب در جوامع انسانی می شود عامل رقابت است. در صورتی که رقابت در جوامع انسانی وجود نداشته باشد ، عوامل ایجاد کننده سلسله مراتب از جمله مال اندوزی – ستیزه جویی ها و زیاده خواهی ها نیز از جوامع انسانی حذف خواهد شد. در این رویکرد ، نزدیکی فکری زیادی بین سوسیالیست ها و آنارشیست ها وجود دارد. این مکتب در زمانی که نظریه داروین وارد مباحث اجتماعی شد و در روابط انسانی به عامل رقابت اعتبار بخشید ، مطرح شد.

در این مکتب جویای نوع جدیدی از زندگی هستند ، که بر مبنای تعاون و همیاری مردم بنا شده باشد. در این مکتب شهرها ، عامل اصلی تخریب محیط زیست و طبیعت هستند و گاهی به عنوان قاتل زندگی از آنها تعبیر می شود.در این مکتب رقابت انسانی نفی شده و بجای آن تعاون و همیاری مردم توصیه می شود.

آرمان شهر در این دیدگاه یعنی : شهری که برمبنای همیاری و تعاون شکل گرفته باشد.

9-14- مکتب جغرافیای انتقادی (مکتب فرانکفورت و مارکسیسم غربی)

مارکسیسم به چه معناست ؟

مطابق نظرات مارکسیستها در مورد کمونیسم ، مهمترین ویژگی زندگی انسانها در یک جامعه طبقاتی از خود بیگانگی است و کمونیسم به این دلیل که آزادی انسانها را به طور کامل به رسمیت میشناسد مکتبی مطلوب است.

مکتب فرانکفورت چیست ؟

یک نوع مارکسیسم غربی است ولی همسو با عقاید کمونیسم شوروری نیستند.این ها با سرمایه داری غربی مخالف هستند.این مکتب عقیده دارد برای بهبود زندگی انسانی و بهبود شرایط محیط طبیعی باید کاری کرد و اولین گام در این راه انتقاد از وضع موجود است.این مکتب تخریب محیط زیست و سخت شدن شرایط زندگی را ناشی از رخنه سرمایه داری بر جامعه غرب و جهان می داند.از نظر این دیدگاه استثمار طبیعت در جهت سرمایه داری موجب استعمار بر انسان می شود.

9-15- مکتب شیکاگو

این مکتب فکری بین سالهای 1883و 1893 رشد کرد. پیروان آن بی نظمی جامعه صنعتی در اروپا را ناشی از کم بودن زمین در شهر می دانند ؛ بدین ترتیب الگوی روستا - شهر را برای حل مشکالت شهری ارائه می دهند و توجه به طبیعت را نیز در سطح وسیعی مطرح می کنند. در این مکتب توجه به اکولوژی یا محیط طبیعی ، اهمیت ژه ای دارد به طوری که محیط انسانی در دل آن مطرح می شود. مکتب شیکاگو ، در علوم اجتماعی و جامعه شناسی شهری مطرح است. در همین زمان نظریه باغ شهرها بیان می شود.

- مکتب معماری شیکاگو

مکتب معماری شیکاگو اصطالحی است که به طور جمعی به کسانی که در ایجاد تحولات شهر شیکاگو سهیم بودند اطالق میشود که بیش از همیشه بین سالهای 0881 تا 0891 رشد یافت و قدرت گرفت.ساختمان های بلند شهر شیکاگو انسان را به تفکر کردن وا داشت.

16-9- مکتب هواشناسی (برای دانشجویان جغرافیایی طبیعی)

قرن بیستم ، دوران شکوفایی آب و هواشناسی علمی است. مکتب های مهمی در وین ، لایپزیک ، فرانکفورت ، برگن (نروژ) و شیکاگو ایجاد شد. بنابراین علمی در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم با تهیه و بکارگیری نقشه‌های هواشناسی جامعه و بوجود آمدن مکتبهای هواشناسی اکثرا با نام شهرهای بزرگ به شکوفایی رسید ، که بنام هواشناسی مطرح است.

سه مکتب بزرگ در هواشناسی به شرح زیر می باشند:

1. مکتب برگن :

در اوایل قرن بیستم ، اکتشافات مهمی در مکتب برگن صورت گرفت که از جمله آنها می توان نظریه جبهه قطبی ، تشکیل سیکلون و توده های هوا را نام برد.

2. مکتب فرانکفورت :

مقدمات مطالعات سه بعدی جو در مکتب فرانکفورت به سرپرستی شرهاگ[12] آغاز شد این مکتب مقدمات مطالعات سه بعدی جو و تأثیرات طبقات میانی و بالایی را بر سیستمهای هوایی مطرح کرد.

3. مکتب شیکاگو :

مهمترین کشف آب و هواشناسی در مکتب شیکاگو به سرپرستی رزبای[13] انجام گرفت. در این مکتب فرآیندها و روابط سه بعدی جو کشف گردید و با طرح اصل ثابت بودن چرخندگی مطلق توده هوا در طول مسیر حرکت خود ، مدل موج ها ارائه شد. براساس این مدل بادها به دور کره زمین حرکت موجی دارند که اندازه این موجها متفاوت است بعدها این موج ها را امواج رزبای نامیدند. از همکاری محققان مکتب شیکاگو و مکتب برگن ، مدل گردش عمومی آتمسفر به صورت تکامل یافته امروزی ارائه گردیده است.

منابع

- فلسفه جغرافیا ، حسین شکویی ، انتشارات دانشگاه تبریز ، که بعدها انتشارات گیتاشناسی آن را تجدید چاپ کرد و اکنون چاپ دوازدهم کتاب منتشر شده‌است. اولین چاپ کتاب در سال ۱۳۴۹ بوده‌است.
- جغرافیای شهری ، حسین شکویی ، جلد اول و دوم ، دانشگاه تبریز ، این دو کتاب اکنون در دانشگاه پیام نور تدریس می‌شوند. چاپ اول این دو کتاب در سال ۱۳۵۲ بوده‌است.
- جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی ، حسین شکویی ، انتشارات آستان قدس رضوی ، چاپ اول: ۱۳۶۵.
- مقدمه‌ای بر جغرافیای جهانگردی ، حسین شکویی ،انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی ، تبریز ، فروردین ماه ۱۳۵۴ ، این کتاب نیز بسیار نایاب است.
- محیط زیست شهری ،حسین شکویی ،۱۳55 ، دانشگاه تبریز ، این کتاب نیز نایاب است.
- جغرافیای اجتماعی شهرها ، اکولوژی اجتماعی ، حسین شکویی ، انتشارات جهاد دانشگاهی ، اولین کتابی است در ایران که به مفاهیمی چون «گتوهای شهری» می‌پردازد. چاپ نخست کتاب در سال ۱۳۶۶ بوده و تاکنون چندین مرتبه چاپ شده است.
- دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری ، حسین شکویی ، جلد اول و دوم ، انتشارات سمت ، ۱۳۷۳.
- اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا ، حسین شکویی ،جلد اول ، انتشارات گیتاشناسی ، ۱۳۷۵.
- اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا ، حسین شکویی ،جلد دوم ، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی ، انتشارات گیتاشناسی ، چاپ اول ، زمستان ۱۳۸۲.
- شناخت و فلسفه جغرافیا ،حسین شکویی ،انتشارات دانشگاه پیام نور ،چاپ 1387
- قلمرو و فلسفه علم جغرافیا ،احمد پور احمد ،انتشارات دانشگاه تهران ،چاپ هفتم ،1393.
- نظریه‌های شهر و پیرامون ،محمد حسین پاپلی یزدی ، اننشارات سمت ، ۱۳۸۶
- شاخصهای جغرافیائی کشورهای جهان ، محمد حسین پاپلی یزدی ، حسن فرخی ، انتشارات جغرافیایی ماهوان

ضمیمه

(تصاویر روی جلد کتاب های مرتبط با فلسفه علم جغرافیا)

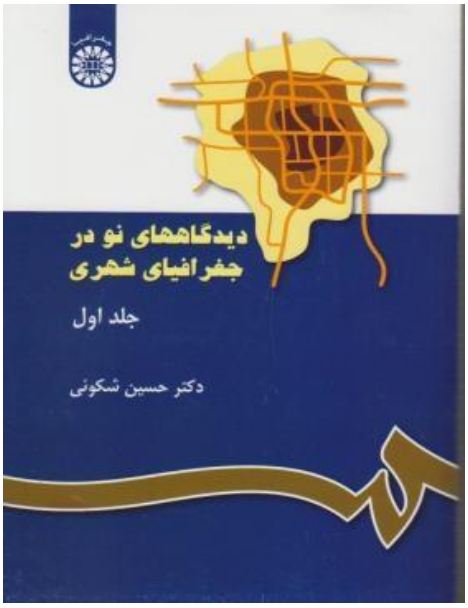

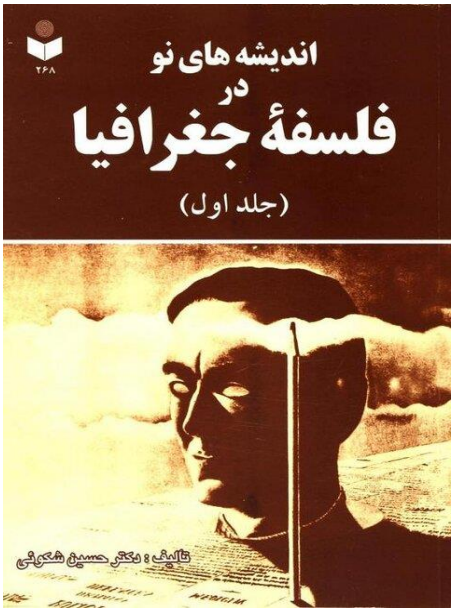

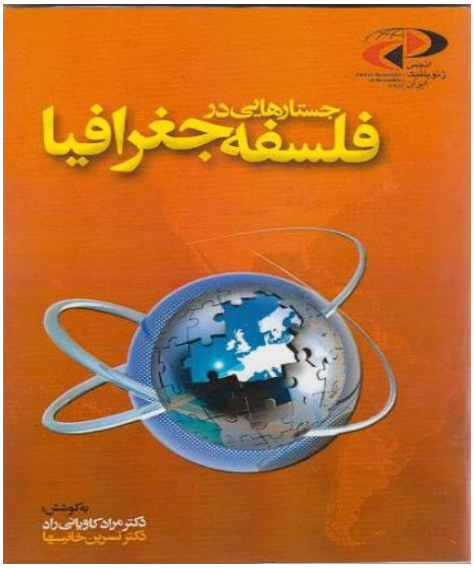

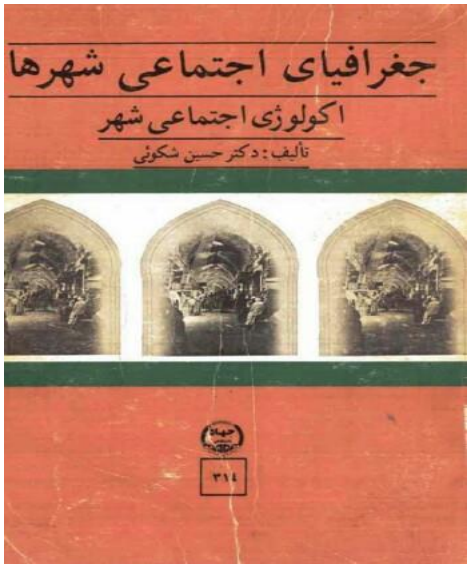

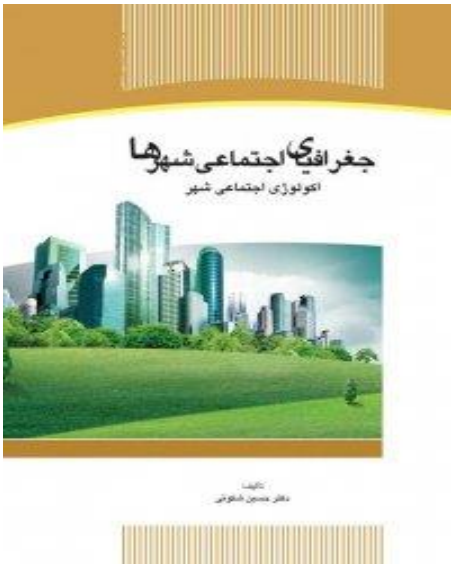

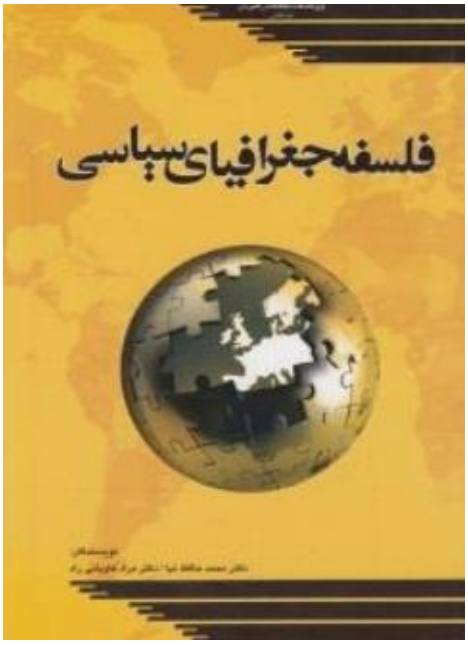

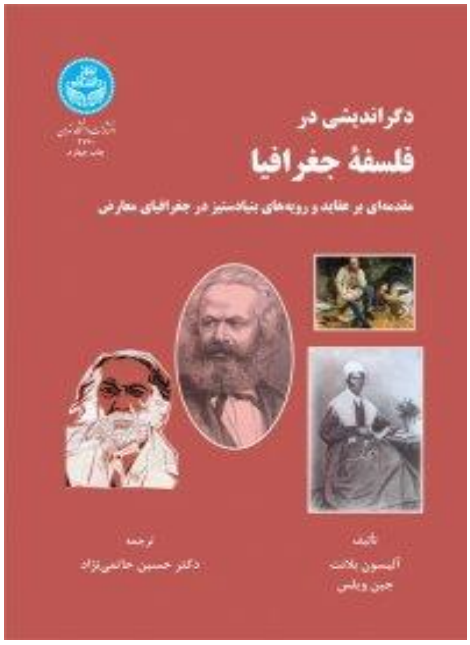

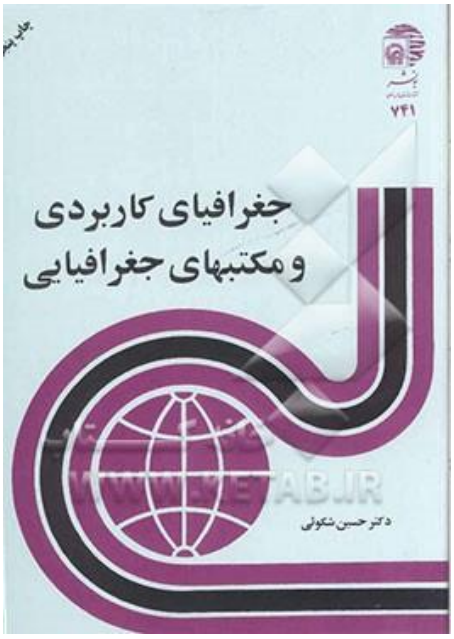

ضمیمه

(تصاویر روی جلد کتاب های مرتبط با فلسفه علم جغرافیا)

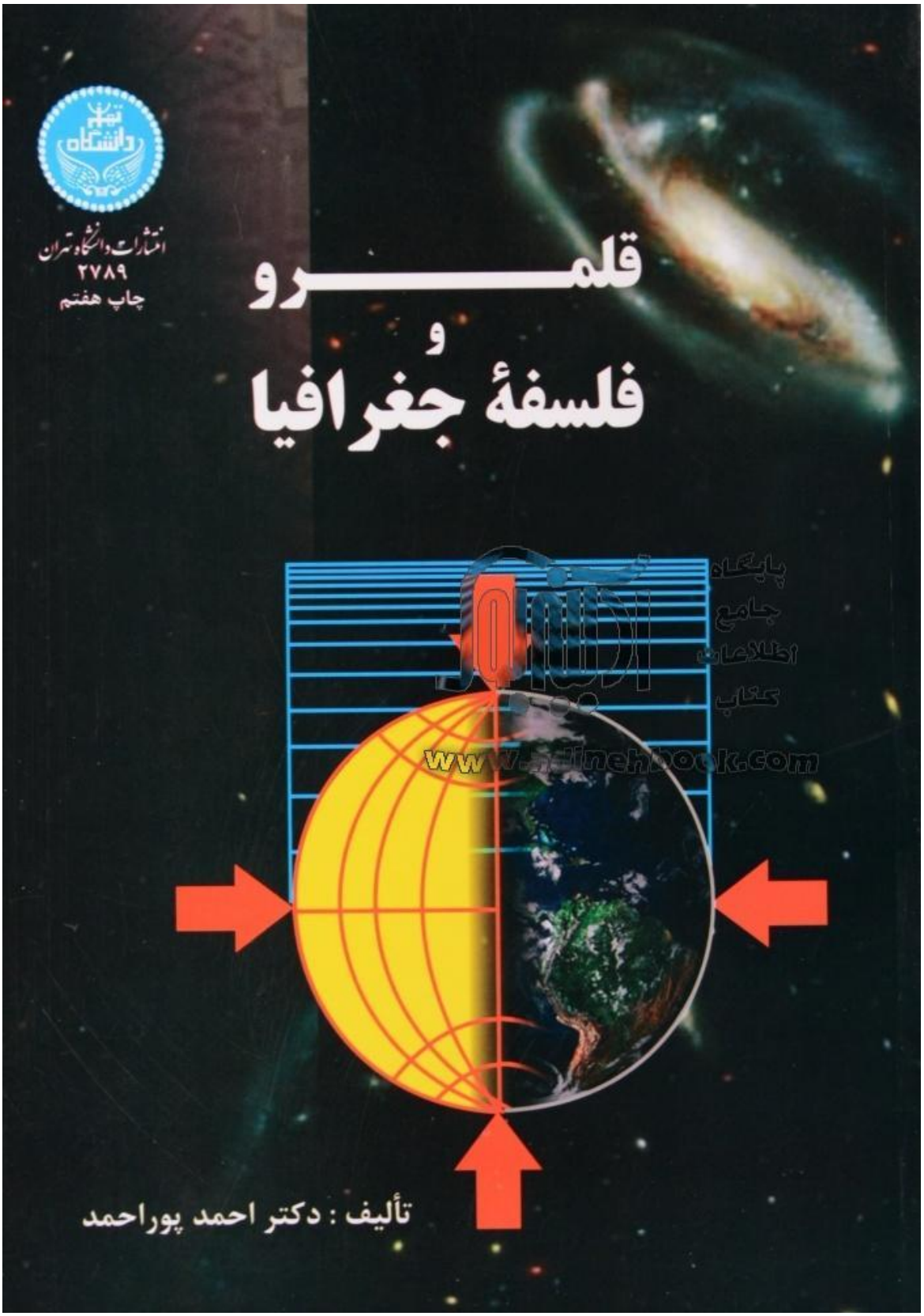

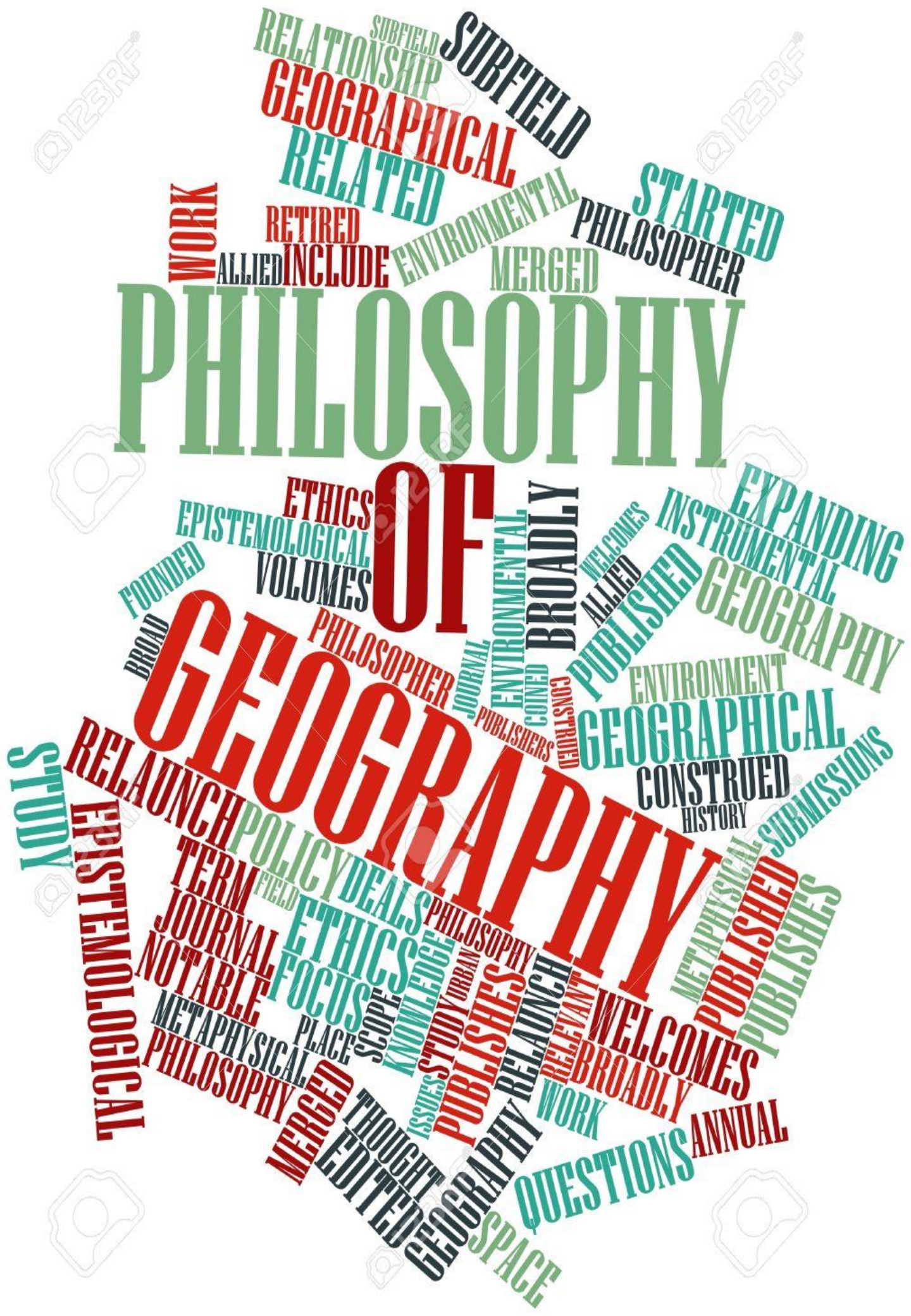
PHILOSOPHY
OF
GEOGRAPHY
SUBFIELD
RELATIONSHIP
SUBFIELD
GEOGRAPHICAL
RELATED
STARTED
PHILOSOPHER
ENVIRONMENTAL
MERGED
RETIRED
WORK
ALLIED
INCLUDE
ETHICS
EPISTEMOLOGICAL
VOLUMES
FOUNDED
BROAD
PHILOSOPHER
JOURNAL
ENVIRONMENTAL
BROADLY
WELCOMES
ALLIED
PUBLISHED
EXPANDING
INSTRUMENTAL
GEOGRAPHY
ENVIRONMENT
COINED
CONSTRUED
PUBLISHERS
GEOGRAPHICAL
CONSTRUED
HISTORY
SUBMISSIONS
RELAUNCH
STUDY
EPISTEMOLOGICAL
POLICYDEALS
TERM
FIELD
JOURNAL
NOTABLE
ETHICS
FOCUS
PHILOSOPHY
METAPHYSICAL
PLACE
SCOPE
KNOWLEDGE
ISSUES
STUDY
URBAN
PUBLISHES
RELEVANT
RELAUNCH
WELCOMES
BROADLY
WORK
METAPHYSICAL
PUBLISHED
PUBLISHES
PHILOSOPHY
MERGED
THOUGHT
EDITED
GEOGRAPHY
QUESTIONS
ANNUAL
SPACE

Kharazmi University

Faculty of Geography Science

Department of Human Geography

PHILOSOPHY OF GEOGRAPHY

Posted By :

Dr Ali Shamaei

(Associate Professor of Human Geography Department)